

The Role of Traditional Village Elites in Leadership to Providing Context for Public Participation in Community Development Activities

Jamal Abdollahpour¹ 

1. Management and Social Sciences Research department, Research Centre for Policy and Governance Studies, Niroo (Energy) Research Institute, Tehran, Iran. Corresponding Author, E-mail: jabdollahpour@nri.ac.ir

Article Info	Extended Abstract
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received: 26 February 2026 Received in revised form: 17 April 2026 Accepted: 18 April 2026 Published online: 15 June 2026</p> <p>Keywords: <i>village, community development, development activities, traditional elites, leadership.</i></p>	<p>Objective: The present study aims to identify the mechanisms through which traditional elites lead the process of building public participation in development actions. To this end, drawing on a number of state-led development projects as well as community-based initiatives in the studied villages, a set of questions was formulated to examine the role of clerics and elders—as traditional rural elites—in facilitating the context for people's participation and cooperation with development actions. In other words, the question was raised as to how and through what process they prepare and persuade people to accept and participate in development actions. Rural elites and reference groups are distinguished individuals who possess innovative or indigenous knowledge and ideas in various rural domains, and enjoy the necessary authority and legitimacy to advance rural affairs. In some cases, they also possess other capabilities shaped in accordance with the needs of the village, which constitute a form of superiority for them. These distinguished figures are among the key assets and capacities of the village in driving various development processes. Theoretical approaches to local development—such as participatory development, post-development, indigenous knowledge, and asset-based local development—emphasize the importance of utilizing local capacities to improve the condition of local communities. These capacities include participation, social capital, physical capital, intellectual capital, and particularly the indigenous knowledge of the local community. The research question pursued by this study is: What mechanisms do traditional elites in the rural communities of Kurdistan use to lead the process of building public participation in local development actions?</p> <p>Method: The methodology of the present study is based on a qualitative approach with an ethnographic strategy. In data collection and thematic analysis, efforts were made to describe and analyze the leadership mechanisms of these elites in the rural communities of Sardasht County for building public participation in state-led and community-based development actions, with a focus on water and electricity service projects, civil engineering projects, and environmental protection initiatives. The study area was the villages of Sardasht County in West Azerbaijan Province, as one of the Kurdish regions of Iran. Since it was not feasible to study all rural communities of the county, the research was conducted in six villages located in the Beryaji Rural District of the Central District. The qualitative methodology employed an ethnographic strategy based on in-depth interviews and field observations for data collection, and thematic analysis for data analysis. To collect data, all individuals and groups</p>

within the local community who were consulted for leading and managing public affairs, especially development actions, were identified through purposive snowball sampling. Four main groups held this position: clerics, elders, Islamic village councils, and village administrators. The trustworthiness of the data and findings was ensured through data source triangulation and member checking.

Findings: The thematic analysis of the data in response to the main research question revealed three main mechanisms: (1) interaction with people and executive bodies; (2) identifying and utilizing local capacities; and (3) awareness-raising and presenting ideas. According to the findings, clerics and elders—as traditional elites—have been able to provide the necessary grounds for justifying and persuading people to agree to and participate in development actions through effective interaction with people, other elites, and executive bodies; identifying and utilizing local capacities; and raising awareness and presenting ideas.

Conclusion: The results of this study are largely consistent with the theoretical frameworks of local development that emphasize community-based and indigenous context-building mechanisms. Government policies can, by taking these local and indigenous capacities into account, provide a suitable ground for the realization of people-centered local development.

Cite this article: Abdollahpour J. (2026). The Role of Traditional Village Elites in Leadership to Providing Context for Public Participation in Community Development Activities. *Biopolitics and Development*, 2 (1), 27-49. DOI: [10.22034/jbpd.2026.145593.1039](https://doi.org/10.22034/jbpd.2026.145593.1039)


DOI: [10.22034/jbpd.2026.145593.1039](https://doi.org/10.22034/jbpd.2026.145593.1039)



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan Press.

نقش خبرگان سنتی روستا در راهبری بسترسازی مشارکت مردمی در اقدامات توسعه‌ای محلی (مورد مطالعه: تجربه‌ی اجتماعات روستائی کردستان)

جمال عبدالله پور^۱ 

۱. گروه پژوهشی مدیریت و علوم اجتماعی، پژوهشکده مطالعات سیاست‌گذاری و حکمرانی، پژوهشگاه نیرو، تهران، ایران. نویسنده مسئول، رایانامه: jabdollahpour@nri.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده مبسوط
<p>نوع مقاله:</p> <p>مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۲۸</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۲۵</p> <p>کلیدواژه‌ها:</p> <p>روستا، توسعه محلی، اقدامات توسعه‌ای، خبرگان سنتی، راهبری.</p>	<p>هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی سازوکارهای راهبری خبرگان سنتی در بسترسازی مشارکت مردمی برای اقدامات توسعه‌ای انجام شده است. بدین منظور، ابتدا با اشاره به تعدادی از پروژه‌های توسعه‌ای دولتی و نیز اقدامات و برنامه‌های مردم‌محور در روستاهای مورد مطالعه، پرسش‌هایی تدوین شد که بر اساس آن، نقش روحانیون و ریش‌سفیدان به‌عنوان خبرگان سنتی روستا در فراهم‌سازی زمینه‌ی مشارکت و همراهی مردم با اقدامات توسعه‌ای بررسی گردد. به عبارتی دیگر، این پرسش مطرح شد که آنان چگونه و طی چه فرایندی، مردم را برای پذیرش و مشارکت در اقدامات توسعه‌ای آماده و متقاعد می‌سازند. خبرگان و گروه‌های مرجع روستایی، سرآمدانی هستند که در عرصه‌های مختلف روستا، صاحب ایده و دانش نوین یا بومی بوده و از اقتدار و مشروعیت لازم برای پیشبرد امور روستا برخوردارند. این افراد در مواردی دارای توانمندی‌های دیگری نیز هستند که متناسب با نیازهای روستا شکل گرفته و نوعی برتری برای آنان محسوب می‌شود. این سرآمدان، از جمله سرمایه‌ها و ظرفیت‌های کلیدی روستا در پیشبرد فرایندهای گوناگون توسعه‌ای به‌شمار می‌روند. رویکردهای نظری توسعه محلی نظیر توسعه مشارکتی، پساتوسعه، دانش بومی و توسعه محلی دارای مبنای بر اهمیت استفاده از ظرفیت‌های محلی در بهبود وضعیت اجتماعات محلی تأکید دارند. این ظرفیت‌ها شامل مشارکت، سرمایه اجتماعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه‌های فکری و به‌ویژه دانش بومی اجتماع محلی است. سؤالی که این پژوهش دنبال می‌کند، این است که خبرگان سنتی در اجتماعات روستایی کردستان با چه سازوکارهایی، بسترسازی جلب مشارکت مردم در اقدامات توسعه‌ای محلی را راهبری می‌کنند؟</p> <p>روش: روش پژوهش حاضر مبتنی بر روش‌شناسی کیفی با راهبرد قوم‌نگاری بوده که در داده‌یابی و تحلیل مضمونی در داده‌کاوی تلاش شده تا سازوکارهای راهبری این خبرگان در اجتماعات روستایی شهرستان سردشت جهت بسترسازی مشارکت مردمی در اقدامات توسعه‌ای دولت‌محور و مردم‌محور با تمرکز بر طرح‌های خدمات‌رسانی آب و برق، عمرانی و حفاظت از محیط زیست توصیف و تحلیل شود.</p> <p>محدوده مطالعه، روستاهای شهرستان سردشت در استان آذربایجان غربی (به‌عنوان یکی از مناطق کردنشین ایران) انتخاب گردید. با توجه به امکان‌پذیر نبودن پژوهش در تمامی روستاهای شهرستان، تحقیق در شش روستای واقع در دهستان بریاجی از بخش مرکزی انجام شد. روش‌شناسی پژوهش، کیفی و با راهبرد مردم‌نگاری مبتنی بر مصاحبه‌های عمیق و مشاهده میدانی برای گردآوری داده‌ها و نیز تحلیل مضمونی برای تحلیل داده‌ها بود. برای گردآوری داده‌ها، تمامی افراد و گروه‌های اجتماع محلی که در راهبری و مدیریت امور عمومی روستا به‌ویژه اقدامات توسعه‌ای مورد مراجعه بودند، با استفاده</p>



از نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی شناسایی شدند. چهار گروه اصلی از این جایگاه برخوردار بودند: روحانیون، ریش‌سفیدان، شوراها و اسلامی و دهیاران. ارزیابی کیفیت داده‌ها و نتایج پژوهش (قابلیت اعتماد) از طریق تنوع منابع داده، مقابله‌سازی داده‌ها با یکدیگر و نیز تأیید یافته‌ها توسط مصاحبه‌شوندگان صورت گرفته است.

یافته‌ها: تحلیل مضمونی داده‌ها در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، بیانگر سه سازوکار اصلی است: تعامل با مردم و دستگاه‌های اجرایی؛ شناسایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی؛ و آگاه‌سازی و ارائه ایده‌بر اساس یافته‌ها، روحانیون و ریش‌سفیدان به‌عنوان خبرگان سنتی، توانسته‌اند از طریق تعامل مؤثر با مردم، سایر خبرگان و دستگاه‌های اجرایی، همچنین شناسایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی و در نهایت آگاه‌سازی و ارائه ایده، بسترهای لازم را برای توجیه و متقاعدسازی مردم جهت موافقت با اجرا و مشارکت در اقدامات توسعه‌ای فراهم آورند.

نتیجه: نتایج این پژوهش تا حدود زیادی با چارچوب‌های نظری توسعه محلی که بر سازوکارهای زمینه‌سازی اجتماع‌محور و بومی تأکید دارند، همخوانی دارد. سیاست‌گذاری‌های دولت می‌تواند با توجه به این ظرفیت‌های بومی و محلی، زمینه مناسبی را برای تحقق توسعه محلی مردم‌گرایانه فراهم نماید.

استناد: عبدالله‌پور، جمال. (۱۴۰۵). نقش خبرگان سنتی روستا در راهبری بسترسازی مشارکت مردمی در اقدامات توسعه‌ای محلی (مورد مطالعه: تجربه اجتماعات

روستائی کردستان). زیست‌سیاست و توسعه، ۲ (۱)، ۲۷-۴۹. DOI: [10.22034/jbpd.2026.145593.1039](https://doi.org/10.22034/jbpd.2026.145593.1039)

DOI: [10.22034/jbpd.2026.145593.1039](https://doi.org/10.22034/jbpd.2026.145593.1039)



۱. مقدمه

توسعه محلی^۱ به مثابه ایده بهبود عرصه‌های متعدد زیست‌جهان افراد در مقیاس اجتماع محلی با محوریت مشارکت اجتماع هدف و دولت است. تجربه توسعه محلی دولت‌محور در ایران و دیگر کشورهای جهان سوم بیانگر نگرش برنامه‌ریزی و اجرای توسعه مبتنی بر نگاه مهندسی و تخصصی متولیان آن بدون حضور مردم اجتماعات محلی بوده و در جایی که مشارکت اجتماع هدف نیز وجود داشته نگرشی ابزاری حاکم بوده است. بنابراین مردم اجتماعات روستایی در اقدامات توسعه‌ای دولت‌محور بیشتر دریافت‌کننده توسعه بوده و در فرایند پیشبرد آن چندان دخالتی نداشته‌اند. این در حالی است که خود مردم اقدامات گوناگونی را با محوریت ظرفیت‌های اجتماع خود در جهت بهبود و توسعه به عمل آورده‌اند.

خبرگان و گروه‌های مرجع روستایی به عنوان سرآمدانی هستند که در عرصه‌های مختلف روستا صاحب ایده و دانش نوین و یا بومی بوده یا از اقتدار^۲ و مشروعیت^۳ در پیشبرد امور روستا برخوردارند. آنها در مواردی توانمندی‌های دیگری فراخور نیاز روستا دارند که در واقع نوعی برتری برای دارندگان آن به حساب می‌آید. این سرآمدان از جمله سرمایه‌ها و ظرفیت‌های روستا در پیشبرد فرایندهای گوناگون اقدامات توسعه‌ای محسوب می‌شوند. شوراها، شوراهای اسلامی روستا و دهیاران به عنوان خبرگان و گروه‌های مرجع جدید در اجتماع محلی و روحانیون، بزرگان طوائف، کدخدایان و ریش‌سفیدان به عنوان گروه مرجع و خبرگان سنتی در این نوع اجتماعات از جمله نیروهایی هستند که در راهبری و اداره امور عمومی اجتماع محلی نقش دارند و محل رجوع مردم در پیگیری و انجام اقدامات و امور مختلف اجتماع روستایی هستند.

بنه‌ها، کته‌ها، خیش‌ها، و میرآب تشکل‌های اجتماعی بهره‌برداری از آب و گروه‌های بزرگ لایروبی کانال در دشت سیستان موسوم به حشر به عنوان مثال‌هایی از نظام اجتماعی موفق در حوزه آب در ایران بوده‌اند (Ghorbania et al, 2019: 431). اجتماعات محلی کردستان نیز از چنین آیین‌های سنتی و محلی در نظام اجتماعی خود برخوردار بوده و هست. اجتماعات روستایی شهرستان سردشت^۴، مناطقی از کشور هستند که مانند دیگر مناطق کردستان خبرگان سنتی

^۱ Community development

^۲ authority

^۳ legitimacy

^۴ شهرستان سردشت به مرکزیت شهر سردشت در جنوب استان آذربایجان غربی با ۴۳ درصد جمعیت روستانشین (سرشماری عمومی ۱۳۹۵) واقع شده است. ساکنان از نظر لهجه، کردی سورانی بوده و از نظر مذهبی، اهل سنت پیرو امام شافعی هستند.

نظیر روحانیون^۱ و ریش‌سفیدان^۲ به تعبیری دیگر معتمدین سنتی، براساس نظام اجتماعی سنتی، از گذشته در راهبری امور اجتماع روستایی از مشروعیت و اقتدار برخوردار هستند. آنها همیشه در ایفای نقش راهبری برای بهبود زندگی اجتماعی، حل و فصل اختلافات و پیشگیری از قضائی شدن آنها و ایجاد محیط زندگی روستائی قابل زیست متناسب با امکانات پیشگام بوده‌اند. امروزه نیز چنین نقشی را ایفا می‌کنند که تجارب پروژه‌های توسعه‌ای جهاد سازندگی در دهه شصت و هفتاد و بعداً اقدامات دیگر دستگاه‌های اجرائی و همچنین اقدامات توسعه‌ای عمرانی و غیرعمرانی مردم‌محور، بیانگر نقش این خبرگان در راهبری این اقدامات با استفاده از مشارکت مردم روستاهای این مناطق است. نقش روحانیت در راهبری امور و اقدامات توسعه‌ای به لحاظ اقتدار و نفوذ اجتماعی آن و میزان التزام مردم به دین در روستاهای شهرستان سردشت، بسیار پررنگ است. در کنار آن نیروهای ریش‌سفید نیز از اقتدار خاصی برخوردار بوده و امور و اقدامات توسعه‌ای را راهبری می‌کنند. این موضوع به معنای ناکارآمدی مدیریت جدید توسعه روستایی نبوده بلکه آنها نیز در امور مربوطه فعال بوده و نقش بسزایی دارند لیکن خبرگان سنتی به دلیل دارا بودن اقتدار و نفوذ، نقش اصلی راهبری امور را ایفا می‌کنند که شوراها و دهیاران از این ظرفیت به اندازه کافی برخوردار نیستند.

با توجه به اقدامات گوناگون توسعه‌ای دولت‌محور و مردم‌محور با تمرکز بر خدمات آب و برق‌رسانی جهاد سازندگی و وزارت نیرو بعد از دوره سازندگی که در اجتماعات روستایی شهرستان سردشت انجام شده و تجارب خبرگان سنتی در راهبری این امور نظیر بسترسازی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مبتنی بر خرد جمعی، توجیه و متقاعدسازی و در نهایت اخذ موافقت مردم و جلب مشارکت آنها؛ پژوهش حاضر به واکاوی نقش این دسته از خبرگان در بسترسازی پرداخته است. بسترسازی گامی مهم در جهت آماده‌سازی و تسهیل توسعه در سطح اجتماع محلی است. خبرگان سنتی با انجام اقدامات و فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی، زمینه و بسترهای لازم به عرصه عملی رهبری امور که مبتنی بر تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، توجیه و متقاعدسازی، کسب موافقت و رضایت و جلب مشارکت مردم است فراهم می‌نمایند (Imani Jajarmi & Abdollahpour, 2017; Abdollahpour, 2017). با توجه به مباحثی که ذکر شد

^۱ لازم به ذکر است که در اکثریت قریب به اتفاق اجتماعات روستایی این شهرستان، روحانی به صورت دائمی در سطح روستا مستقر بوده که ریش‌سفیدان روستا انتخابش کرده‌اند و مردم حقوق وی را پرداخت می‌کنند. بنابر اعلام نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت استان آذربایجان غربی شعبه شهرستان سردشت، این شهرستان دارای ۲۲۰ باب مسجد بوده که ۲۹ مسجد در شهر سردشت، ۸ مسجد در شهر میرآباد، ۶ مسجد در شهر ربط، ۶ مسجد در شهر نلاس، ۲ مسجد در روستای بیوران سفلی، ۲ مسجد در روستای ساوان و مابقی ۱۶۷ مسجد در دیگر روستاهای شهرستان می‌باشد. بر این اساس با توجه به تعداد ۲۲۸ روستای بالای سه خانوار، ۵۱ روستا به دلیل جمعیت کم دارای مسجد و در نتیجه روحانی نیستند. تعداد روحانیون تحت پوشش نهاد مذکور، ۲۵۰ روحانی بوده که با احتساب روحانیونی که تحت پوشش این نهاد نمی‌باشند می‌توان تعداد روحانیون شهرستان را نزدیک به ۲۸۰ نفر برآورد کرد. بنابر اعلام نظر این نهاد، روحانیون منطقه غیر از شهریه و بیمه، حقوقی را از این نهاد و یا دیگر نهادهای حکومتی و دولتی بابت ارشاد دینی در روستاها و یا دیگر مکان‌ها دریافت نمی‌کنند. نظام آموزشی روحانیت به دو شکل حوزوی رسمی (حوزه‌های رسمی زیر نظر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت) و حوزوی غیررسمی (حجره‌های سنتی مساجد شهر و روستا زیر نظر روحانی مستقر در آن مسجد که این نوع آموزش نیز مورد تأیید مراجع ذیصلاح است) می‌باشد. در مناطق کردنشین و زبان کردی از لفظ «ماموستا» به جای روحانی استفاده می‌شود که حاکی از احترام فراوان به جایگاه این قشر است. ناگفته نماند از کلمه «ملا» هم در اشاره به نام این قشر استفاده می‌شود اما در مواقع صدا زدن این افراد و یا در متون نوشتاری اغلب از واژه «ماموستا» استفاده می‌شود. در واقع کاربرد لفظ «ماموستا» برای روحانیت به معنای خبرگی و استاد بودن آنها در امور دینی است.

^۲ منظور از ریش‌سفید در عرف محلی صرفاً افرادی با شرایط سنی بالا و ظاهر خاصی نیستند بلکه ریش‌سفیدان آن دسته از بزرگان محلی هستند که مورد اعتماد مردم بوده و با توجه به علاقه‌مندی آنان به درگیری و مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌ها و امور اجتماع محلی، از اقتدار و نفوذ بالایی در راهبری و مدیریت برخوردار هستند. در مناطق گوناگون، عناوین خاصی برای این افراد نظیر ریش‌سپی (ریش‌سفید)، کوئخوا (کدخدا)، پیواماقوول (مرد خردمند) و اخیراً بلورپنکراو (معتمد) به کار برده می‌شود. در واقع می‌توان آنان را معتمدین سنتی نام نهاد که از گذشته در اجتماع محلی با توجه به چارچوب‌های عرفی و سنتی، امور عمومی را راهبری نموده‌اند. در پژوهش حاضر از عنوان ریش‌سفید برای اشاره به نام این دسته از خبرگان سنتی روستا استفاده شده است. در مقابل مفهوم معتمد سنتی، خبرگان جدید در روستا در صورتی که مورد اعتماد مردم باشند، معتمد جدید تلقی می‌شوند.

سوالی که این پژوهش دنبال می‌کند، این است که خبرگان سنتی در اجتماعات روستایی کردستان با چه سازوکارهایی، بسترسازی جلب مشارکت مردم در اقدامات توسعه‌ای محلی را راهبری می‌کنند؟

۲. مبانی نظری

رویکردهای نظری توسعه محلی نظیر توسعه مشارکتی، پساتوسعه، دانش بومی و توسعه محلی دارائی مبنا بر اهمیت استفاده از ظرفیت‌های محلی در بهبود وضعیت اجتماعات محلی تأکید دارند. این ظرفیت‌ها مواردی نظیر مشارکت، سرمایه اجتماعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه‌های فکری و به ویژه دانش بومی اجتماع محلی را شامل می‌شود (بهزاد و احمد، ۲۰۱۲؛ اسکوبار، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۷؛ ماتی و کونینگهام، ۲۰۰۳؛ سکاوت و دیگران، ۲۰۰۵؛ کرتزمان و مک‌نایت، ۱۹۹۳؛ محمد و سیلونگ، ۲۰۱۰؛ رحمان، ۱۹۹۳). از آنجا که خبرگان و معتمدین محلی با توجه به اقتدار اجتماعی و توانمندی‌هایشان می‌توانند اجتماع هدف را به صورت داوطلبانه و خودجوش با اهداف توسعه محلی همسو سازند و بستر توسعه مبتنی بر زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و بومی را فراهم نمایند؛ از جمله ظرفیت‌های مهم اجتماع محلی در راهبری اقدامات توسعه‌ای محسوب می‌شوند. در تحقیقات و سیاست‌گذاری برخی کشورها تأکید زیادی بر ظرفیت خبرگان محلی به ویژه خبرگان سنتی در راهبری توسعه محلی شده است (برای نمونه Peter Bikam & James Chakwizira, 2014؛ Tlhoale, 2012). آنچه در رهبری امور در اجتماع محلی مدنظر است اینکه بتوان با استفاده از نفوذ افرادی که عهده‌دار رهبری می‌شوند، توسعه مبتنی بر خواست مردم را به وجود آورد. به باور محمد شتر صبران (Shatar, 2003)، رهبری و توسعه محلی، به طور نزدیکی با هم مرتبط هستند. یکی از کلیدها در تلاش موفق جهت دستیابی به توسعه اجتماعات محلی، حضور رهبران در آن اجتماعات می‌باشد. بدون رهبران، توسعه محلی ممکن است به‌ندرت به نتیجه‌ای منجر شود که برنامه‌های توسعه در پی اجرای آن هستند (محمد و سیلونگ، ۲۰۱۰). رهبران محلی در بستر اجتماع محلی از طریق نفوذی که بر پیروان خود دارند، اجتماع محلی را در جهت دستیابی به اهداف توسعه‌ای آن هدایت می‌نمایند (سیلونگ، ۲۰۰۹). آرنشتاین (۱۹۶۹) نیز به رهبران و گروه‌های سازمان‌یافته در داخل اجتماع محلی اشاره می‌کند که به طور مؤثری می‌توانند مشارکت را تسهیل کنند (Gershman, 2013: 31-35).

راهبری اقدامات توسعه‌ای در اجتماع محلی از نوع رهبری خدمتگزار^۱ (Greenleaf, 1977) و دموکراتیک و مشارکتی^۲ (کونتز و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹۰) است که با این نوع از رهبری می‌توان در هدایت مسیر بهبود اجتماع محلی گام‌های اساسی را در بسترسازی فراهم نمود. برابری رهبر با زیردستان در راستای هدایت آنان، برابری تمام اعضای سازمان در حقوق، اطلاعات و چشم‌اندازهای آنان، نقش رهبر به عنوان تسهیل‌گر در شکل‌گیری گروه در سازمان، کوشش کردن، داشتن تصور از خود و دیگران، همدلی، چاره‌جویی، نظارت، آگاهی، ساخت اجتماع محلی، متقاعدسازی و تعهد نسبت به رشد مردم، مشارکت در فعالیت‌های اجتماع محلی، تعهد داوطلبانه، لابی (رایزنی) کردن با مدیران دولتی در سطح ملی و محلی از ویژگی‌های رهبری خدمتگزار (ترک‌زاده و جعفری، ۱۳۹۱؛ رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۵) است. رهبری دموکراتیک و مشارکتی در باره اقدامات و تصمیم‌های مورد نظر با زیردستان به ریزنی می‌پردازد و

¹ Servant leadership

² Democratic and participative

آنان را به مشارکت در کارها تشویق می‌کند. در این سبک، رهبری با مردم به طور مشترک و از طریق اجماع و توافق به پرسش‌هایی چون چه چیزی را انجام دهیم و چگونه انجام دهیم پاسخ می‌دهند (کونتز و دیگران، ۱۳۸۵: ۲۹۰).

اندیشمندان رویکرد توسعه مشارکتی نظیر عبیدالله‌خان، ایجاد اعتماد به نفس از طریق کنش متقابل (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۴-۲۸۵)؛ سالیما عمر، تأسیس نهاد مشارکتی جهت بحث و گفتگو (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۵) به نقل از حامد مقدم، ۱۳۶۹: ۶۳)؛ شفرود (۱۹۹۸: ۱۸۳)، انعطاف و بردباری، بهره‌گیری از سنت‌های محلی، دسترسی به رهبران و مدیران خوب، ابتکارات محلی، گفتگو و مسئولیت‌پذیری (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۵۱) را از جمله سازوکارهای مهمی برمی‌شمارند که بسترهای توسعه محلی را فراهم می‌نمایند. به باور کلندرمن، بسیج آگاهی که مبتنی بر آگاه‌سازی از اهداف توسعه‌ای و بسیج کنش که مبتنی بر مقاعدسازی نسبت به فواید و هزینه‌های مشارکت است، لوازم ضروری مشارکت در توسعه محلی هستند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۸۲-۸۱). در روش ارزیابی مشارکتی روستایی نیز که از جمله دیدگاه‌های توسعه مشارکتی است، به افراد روستایی به چشم افراد مطلع، آگاه و متخصص در مسائل زندگی خود نگریسته و با پرهیز از رویکرد نخبه‌گرا (دیگته نمودن دیدگاه‌های متخصصان به مردم) تلاش می‌کند تا با تسهیلگری بتوان مشارکت مردم اجتماع محلی را در اقدامات مربوط به خودشان برانگیخته و در نهایت آنها را در این زمینه توانمند سازد. در این رویکرد، شناخت و برنامه‌ریزی روستایی، به جای تأکید بر روش، بر رفتار و ظرفیت‌های مردم تأکید می‌شود (چمبرز، ۱۹۹۵: ۱-۲). دیدگاه‌های متأخرتر در توسعه مشارکتی مانند دموکراسی مشورتی^۱ (Gutmann, A. and D. Thompson, 2000؛ کراکر، ۲۰۰۶؛ سن، ۲۰۰۳)؛ مشورت، گفتگو و خرد جمعی را راهکاری در راستای انتخاب اجتماعی مسئولانه دانسته که حاصل آن توسعه‌ای مردمی است. برنامه‌ریزی ارتباطی^۲ نیز با الهام از نظریه کنش ارتباطی هابرماس، گامی در همین راستاست که با تأکید بر کنش ارتباطی جهت ایجاد فهم مشترک، زمینه‌های توسعه مشارکتی را فراهم می‌نماید. در این نظریه بر خلاف دیدگاه‌های عقلانیت‌گرا بر تعامل، مباحثات بین افراد و فرهنگ‌ها مبتنی بر احترام متقابل، اهمیت دادن به همه گروه‌های ذینفع در طی فرایند مباحثه و مذاکره و یادگیری متقابل تأکید می‌شود (هیلی، ۱۹۹۳: ۲۴۰).

زمینه‌سازی برای مشارکت در توسعه در رویکرد توسعه مشارکتی، ضمن توجه به آیین‌ها و شبکه‌های سنتی و نهادهای اجتماعی مردمی، نیازمند سازوکارهای مبتنی بر سرمایه اجتماعی و وجود حکمرانی شایسته است (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۹۶-۲۹۸). حکمرانی شایسته از الزامات توسعه محلی بوده و در واقع توسعه محلی مردم‌گرایانه، دولت اقتدارگر را بر نمی‌تابد. یکی از سازوکارهای دخیل در مشارکت مردم در توسعه محلی و جلب حمایت و تسهیلات دولتی به گونه‌ای که زمینه حکمرانی خوب را در سطح محلی فراهم می‌کند، سرمایه اجتماعی است. رهبران اجتماع محلی می‌توانند با تکیه بر سرمایه اجتماعی پیوندی^۳ و پل‌زننده^۴ و به شیوه‌ای هم‌افزا (Kozel and Parker, 2000)؛

¹ deliberative democracy

² Communicative Planning

این دیدگاه به وسیله افرادی همچون فورستر (۱۹۹۵)، هیلی (۱۹۹۲)، سگر (۱۹۹۴) و اینس (۱۹۹۵) بسط داده شد (رکن‌الدین افتخاری و بهزادنسب، ۱۳۸۳ و رفیعیان و معروفی، ۱۳۹۰). این نوع برنامه‌ریزی تحت عناوین دیگری نیز نظیر برنامه‌ریزی مباحثه‌ای (Argumentative Planning)، برنامه‌ریزی از طریق بحث (Planning through Debate) و برنامه‌ریزی تشریک مساعی (Collaborative Planning) ارائه شده است.

³ bonding

⁴ bridging

هدایت نموده و موافقت آنان را با اجرای آن اخذ نمایند. (Tendler, 1997; Narayan, 1997; Narayan et al, 1997)؛ مشارکت مردم اجتماع محلی را در فرایندهای توسعه

در رویکرد نظری پساتوسعه‌ای، اسکوبار (۱۹۸۴، ۱۹۸۷، ۱۹۸۸، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷) و راهنما (Rahnema, 1993; 1988) به عنوان دو نظریه‌پرداز و پژوهشگر این حوزه با تکیه بر زمینه‌های محلی، فرهنگی و تاریخی در توسعه جوامع و توجه به دانش بومی، مشارکت مردم و تحقیقات مشارکتی، گام‌های نظری و عملی مؤثری را در توسعه جهان سوم به طور عام و توسعه اجتماعات محلی به طور خاص برداشته‌اند. رویکردهای نظری بعدی توسعه اجتماعات محلی، به شدت از این رویکرد وام گرفته‌اند. از جمله این رویکردهای مهم می‌توان به دیدگاه‌های نظری که نسبت بین توسعه و دانش بومی را در سطح اجتماعات محلی تشریح و تبیین نموده اشاره نمود (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸). رویکرد نظری جدیدی که در توسعه محلی مطرح شده، رویکرد دارایی‌مبنا است که مانند دیدگاه‌های دیگر توسعه محلی، بر اهمیت ظرفیت‌های اجتماع محلی تأکید کرده اما این دیدگاه، در کنار اهمیت سرمایه اجتماعی، به اهمیت ظرفیت‌های کالبدی و فیزیکی نیز تأکید نموده است (Arefi, 2001). به زعم متی و کونینگهام (Mathie, & Cunningham, 2003)، طبق این رویکرد، قابلیت‌ها و توانمندیهای ساکنان، انجمن‌ها و نهادهای عمومی محلی، مبنای استراتژی توسعه در اجتماع محلی را تعیین می‌کنند نه آنچه که در محله نبوده و محله بدان نیازمند است. از نظر کرتزمن و مک‌نایت (Kretzman and Mcknight, 1993)، توسعه محلی دارایی‌مبنا، رویکردی به ساخت اجتماع محلی است که اعضای اجتماع محلی را به عنوان عواملان تغییر فعال می‌بیند تا به عنوان ذینفعان و یا متقاضیان منفعل. رویکرد دارایی‌مبنا از سه ویژگی فرایندگرایی و تأکید بر ظرفیت‌سازی، جامع‌نگری و بسیج همه دارایی‌های محلی و رویکرد ابزاری به دارایی‌های محلی در تحقق اهداف آن برخوردار است (Arefi, 2001).

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها نیز بیانگر نقش رهبری سنتی روستایی در بسترسازی مشارکت در توسعه محلی است. پژوهش یوسنادی و سیهفیتری (Yusnadi & Syahfitri, 2025)، در تحلیل مشارکت رهبران جامعه از جمله رهبران سنتی در اجرای برنامه جنبش مراقبت از امنیت زیست‌محیطی در روستای کولام، منطقه پرکات سی توآن هند نشان می‌دهد که مشارکت رهبران جامعه در مراقبت از امنیت زیست‌محیطی به دو صورت می‌باشد: مشارکت مادی که شامل مشارکت مالی و مشارکت در اموال/اشیا است، و مشارکت غیرمادی که شامل مشارکت فکری، مشارکت مهارتی و مشارکت در انرژی است.

چوتیب (Chotib, 2024)، نقش رهبران سنتی در حکومت محلی در استان جامبی اندونزی را در تعاملات آنها با سیستم رسمی اداره عمومی، تأثیر بر اجرای سیاست‌ها و سهم آنها در توسعه جامعه را بررسی می‌کند. یافته‌های مطالعه وی بیانگر آن است رهبران سنتی در جامبی همچنان نفوذ قابل توجهی در جوامع محلی، به‌ویژه در مناطق روستایی، دارند. نقش آنها شامل حل منازعات، حفظ فرهنگ و حمایت از منافع جامعه است. در حالی که اقتدار آنها به طور رسمی در ساختار اداری مدرن به رسمیت شناخته نشده است، آنها نقش مهمی در میانجیگری بین جوامع و دولت ایفا می‌کنند. این مطالعه بر اهمیت به رسمیت شناختن و تطبیق اقتدار سنتی در عین تضمین شفافیت و پایداری به اصول دموکراتیک تأکید می‌کند.

زنزیل (Enoch Zenzile, 2023) تجربیات رهبران سنتی در اجرای راهبردهای پیشگیری از جرم در مناطق روستایی شهرداری ناحیه تامبو، در استان کیپ شرقی در آفریقای جنوبی را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رهبران سنتی در توسعه، اجرا و نظارت بر تاکتیک‌های پیشگیری از جرم نقش دارند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که رهبران سنتی نقش اساسی در جذب اعضا برای مشارکت در استراتژی‌های پیشگیری از جرم در حوزه قضایی خود دارند. با این حال، ابتکارات پیشگیری از جرم آنها به دلیل کمبود بودجه دولتی محدود است. می‌توان نتیجه گرفت که پیشگیری از جرم یک هدف بلندمدت است. سرمایه‌گذاری روی رهبران سنتی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت زندگی در جامعه شود.

در پژوهش هونیک (Honig, 2019)، رهبران سنتی نقش مهمی در زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شهروندان در کشورهای سراسر آفریقا دارند. آنها به عنوان خبرگان محلی^۱ تعریف می‌شوند که مشروعیت خود را از آداب، رسوم و معنویت می‌گیرند. جایگاه رهبران سنتی بین جوامع دولتی و محلی به آنها اجازه می‌دهد تا به عنوان واسطه‌های توسعه عمل کنند. آنها این کار را با تأثیرگذاری بر توزیع کالاهای عمومی ملی و نمایندگی خواسته‌های شهروندان به دولت انجام می‌دهند. علاوه بر این، رهبران سنتی می‌توانند با هماهنگی اقدامات جمعی محلی، داوری در مورد اختلافات و نظارت بر حقوق زمین، بر توسعه تأثیر بگذارند. رهبران سنتی در نقش واسطه‌های توسعه، تعیین می‌کنند که چه کسی از انواع مختلف نتایج توسعه در جامعه محلی و ملی بهره‌مند می‌شود. شناسایی تأثیرات مثبت و منفی توسعه‌ای رهبران سنتی مستلزم توجه به پیامدهای مختلف نقش‌های آنها به عنوان لایست، دولت‌های محلی، حامیان سیاسی و مقامات زمین است.

تشیانگونی و فرانسیس (Tshitangoni and Francis, 2017)، در بررسی اهمیت رهبری سنتی در توسعه جوامع روستایی در جنوب آفریقا نشان داده‌اند اگرچه مدرنیست‌ها زوال این نهاد را پیش‌بینی کرده بودند، شواهد موجود نشان می‌دهد که بعید است این اتفاق در آینده‌ای قابل پیش‌بینی رخ دهد. به زعم آنها، تنش‌ها و درگیری‌ها بین رهبران منتخب دموکراتیک و رهبران سنتی، توانایی هر دو نهاد را برای مشارکت مؤثر در توسعه جامعه در مناطق روستایی تضعیف می‌کند. آنها توسعه یک مدل حکمرانی مناسب که به وضوح نقش‌های رهبری سنتی را در یک کشور دموکراتیک مانند آفریقای جنوبی تعریف کند، ضروری می‌دانند.

ایمانی جاجرمی و عبدالله‌پور (Imani Jajarmi & Abdollahpour, 2017)، دریافته‌اند که نخبگان (خبرگان) سنتی روستایی در مناطق کردنشین در راهبری اقدامات توسعه‌ای نظیر بسترسازی، برنامه‌ریزی، توجیه و متقاعدسازی، کسب موافقت و جلب مشارکت، نقش دارند. مطابق یافته‌های پژوهش، منشأ مشروعیت اقتدار آنها در راهبری اقدامات توسعه‌ای در رابطه با روحانیون، داشتن شخصیتی مردم‌دار و معنوی است که از مشروعیت کاریزماتیک برخوردارند. ضمن آنکه پشتوانه دینی، مبنایی برای مشروعیت ارزشی آنها فراهم کرده و باعث شده در طول تاریخ اجتماع محلی، از مرجعیت برخوردار باشند و به عبارتی دیگر مشروعیت سنتی در اقتدار داشته باشند. ریش سفیدان نیز با توجه به سنت تبعیت از بزرگان در اجتماع محلی، مشروعیت سنتی دارند. نتایج بیانگر وجود ترکیبی از مشروعیت نخبگان سنتی است که ریشه در نظام دینی و فرهنگی حاکم بر اجتماع دارد. قانون در اجتماع محلی مبنایی برای مشروعیت

¹ Local elites

محسوب نمی‌شود. اتکای شوراهای اسلامی و دهیاران در مدیریت جدید توسعه روستایی، به مشروعیت ناشی از سنت‌های اجتماع محلی می‌تواند آنها را در راهبری توسعه تقویت کند و به اقتدار آنها در راهبری امور که در وضعیت ضعیفی قرار دارد بینجامد.

اگر بخواهیم چارچوبی را از مرور ادبیات استخراج کنیم تا براساس آن مفاهیم حساس را شناسایی کنیم و به تبیین نظری سازوکارهای نقش‌آفرینی رهبری در بسترسازی جلب مشارکت در اقدامات توسعه‌ای بپردازیم، نیازمند اتخاذ رویکردی ترکیبی هستیم. رویکردهای نظری توسعه مشارکتی، پساتوسعه، دانش بومی و توسعه محلی دارائی مینا هر کدام به طور نسبتاً نزدیک به هم، به بیان سازوکارهای بسترسازی توسعه اجتماع محلی با تمرکز بر مشارکت ظرفیت‌های اجتماع محلی پرداخته‌اند. این فرایند نیازمند ایفای نقش راهبری امور مبتنی بر ویژگی‌های خدمتگزاری و دموکراتیک است که این موضوع هم برخاسته از ظرفیت‌های محلی است. براین اساس فرایند راهبری برای بسترسازی جلب مشارکت عمومی، مستلزم توانمندی خبرگان و مشروعیت و مقبولیت آنها در اداره امور، و سرمایه اجتماعی و مادی اجتماع است. پژوهش‌های انجام‌شده نیز چنین فرایندی را تأیید می‌کنند. در واقع خبرگان یا رهبران سنتی با تمرکز بر سرآمدی خود و مقبولیت اجتماعی که از آن برخوردار هستند، با سازوکارهای برگرفته از فرهنگ سنتی و بومی و در چارچوب دارائی‌های اجتماع محلی، بستر جلب مشارکت مردم در اقدامات توسعه‌ای را فراهم می‌کنند.

۴. روش‌شناسی

با توجه به هدف پژوهش مبنی بر شناسایی سازوکارهای راهبری خبرگان سنتی در بسترسازی مشارکت مردمی در اقدامات توسعه‌ای، ابتدا تلاش شد تا با اشاره به تعدادی از پروژه‌های توسعه‌ای که توسط دولت در روستاهای مورد مطالعه اجرا شده و نیز دیگر اقدامات و برنامه‌های مردم‌محور، سوالاتی بدین مضمون تدوین شود که روحانیون و ریش‌سفیدان به عنوان خبرگان سنتی روستا، چگونه زمینه مشارکت و همراهی مردم با آن اقدام توسعه‌ای را فراهم می‌کنند. یا به عبارت دیگر چگونه و طی چه فرایندی، مردم را آماده می‌کنند تا بستری برای متقاعدسازی مردم و پذیرش اقدامات توسط آنها و مشارکت در آن اقدامات فراهم شود. سپس با انتخاب قلمرو مطالعه در روستاهای شهرستان سردشت به عنوان یکی از مناطق کردنشین ایران، مراحل انجام مطالعات میدانی آغاز شد. از آنجا که امکان پژوهش در تمامی اجتماعات روستایی شهرستان وجود نداشت، تحقیق در شش روستا واقع در دهستان بریاجی بخش مرکزی انجام شد.^۱ روش‌شناسی پژوهش به صورت کیفی با راهبرد مردم‌نگاری مبتنی بر انجام مصاحبه‌های عمیق و مشاهده میدانی برای گردآوری داده‌ها و تحلیل مضمونی برای تحلیل داده‌ها انتخاب شد. به منظور گردآوری داده‌ها ابتدا کلیه افراد و گروه‌های اجتماع محلی که به نحوی در ارتباط با راهبری و مدیریت امور عمومی روستا به ویژه اقدامات توسعه‌ای محل رجوع بودند با روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر گلوله‌برفی شناسایی شدند که چهار گروه روحانیون، ریش‌سفیدان، شوراهای اسلامی و دهیاران از این جایگاه برخوردار بودند. در ادامه با تکیه بر اقدامات

^۱ در این دهستان دو منطقه روستایی منتهی به مرز کیله (شامل روستاهای نشکولان (۱۵۱ نفر)، بیوران سفلی (۱۳۰۹ نفر)، بیوران علیا (۵۶۰ نفر) و کنه‌مشکه (۲۹۲ نفر)) و مرز قاسم‌رئش (شامل روستاهای بنوخلف (۴۲۲ نفر) و گل‌کنگ (۵۳۴ نفر) (سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵) انتخاب شد که انتخاب آن به دلایلی چند از جمله تجربه‌زیسته پژوهشگر در این منطقه و آشنائی کامل با روندهای توسعه آن و نقش خبرگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای در سطح آن اجتماعات، بوده است.

توسعه‌ای اعم از پروژه‌های خدمات‌رسانی آب و برق و دیگر پروژه‌های مرتبط که با هدف بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی توسط دولت یا خود مردم صورت گرفته^۱، نقش روحانیون و ریش‌سفیدان به عنوان خبرگان سنتی در رهبری فرایندها واکاوی شده است. مصاحبه‌ها با افراد مذکور تا جایی پیش رفته که اشباع لازم فراهم شده است^۲. پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی متن آنها، با اتکا به تحلیل مضمونی مبتنی بر کدگذاری، در سه مرحله تلاش شد تا مفهوم هسته‌ای که بیانگر نقش راهبری خبرگان سنتی در بسترسازی مشارکت مردمی در اقدامات توسعه‌ای محلی است و سازوکارهای فرایندی آن استخراج شود. لذا در مرحله اول طی کدگذاری باز مفاهیم اولیه استخراج شد. در مرحله دوم، با استفاده از کدگذاری محوری، مقولاتی شناسایی شد که در واقع همان سازوکارهای بسترسازی هستند. مفهوم هسته‌ای نیز حاصل تحلیل و ترکیب سازوکارها یا همان مقولات محوری است که همانطور که اشاره شد، تحت عنوان بسترسازی نام‌گذاری شد. در نهایت با نشان دادن فرایند سازوکارها در یک نمودار دورانی و بحث و تحلیل مبتنی بر روایت‌های مصاحبه‌شوندگان و مشاهده‌های میدانی، به توصیف و فهم و تبیین سازوکارهای بسترسازی و نقش خبرگان سنتی در راهبری آن پرداخته شده است.

روش ارزیابی کیفیت داده‌ها و نتایج پژوهش یا به تعبیری قابلیت اعتماد^۳ آن با برخورداری از تنوع منابع داده و مقابله کردن آنها با همدیگر و نیز تأیید این داده‌ها و یافته‌ها توسط هر یک از مصاحبه‌شوندگان صورت گرفته است.

۵. یافته‌ها

تحلیل مضمونی داده‌ها در پاسخ به سوال اصلی پژوهش که شناسایی سازوکارهای راهبری خبرگان سنتی در بسترسازی برای جلب مشارکت در اقدامات توسعه‌ای اجتماع محلی است بیانگر سه سازوکار اصلی است (ر. ک.: به شکل ارائه‌شده). روحانیون و ریش‌سفیدان به عنوان خبرگان سنتی از طریق تعامل با مردم و دستگاه‌های اجرائی، شناسایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی و آگاه‌سازی و ارائه ایده بسترهای جلب مشارکت عمومی را فراهم می‌کنند. در واقع بخشی از راهبری اقدامات توسعه‌ای این نوع اقدامات بسترسازی است که هر کدام نیز دارای فرایندهای خاص خود است. در ادامه به تشریح بیشتر این سازوکارها و مصادیق آنها خواهیم پرداخت.

^۱ نزدیک به ۹۰ پروژه و دیگر برنامه‌ها و فعالیت‌ها که با هدف بهبود وضعیت اجتماع محلی اجرا شده است.

^۲ در مجموع با شش نفر روحانی، نه نفر ریش‌سفید، شش نفر رئیس شورای اسلامی و شش نفر دهیار مصاحبه شد. به دلیل مشغولیت کاری رئیس شورای اسلامی روستای کنه‌مشکه با یکی از اعضاء شورا مصاحبه شد.

^۳ trustworthiness

ساماندهی زکات روستا در راستای کمک به فقر/ استفاده از ظرفیت مراسم‌های محلی و ملی در ایجاد نشاط و سعی بر حفظ مراسمات ملی و مذهبی جهت دوری از شادی کاذب استقبال از طرح‌های سازمانی مانند کوله کتاب و تلاش برای درگیری مردم در آن/ تلاش در جهت ایجاد احساس مسئولیت در مردم علیه عدم نیاز به کمک آنها/ شناسایی افراد بسته به نوع توانایی جهت مشارکت در امور وجود افراد مسئولیت‌پذیر در روستا و عدم انجام کار بدون آنان/ تأسیس صندوق قرض‌الحسنه و تلاش بر فرض‌الحسنه شدن آن/ تلاش برای کمک به افراد روستا از محل صندوق و اعطای وام بهره‌گیری از توان افراد علاقمند به کار آنها دادن به جوانان و تشویق جوانان به حضور در شورای اسلامی روستا و دهیاری/ عدم فشار به مردم و تحمیلی نبودن مشارکت علیه مردم/ مشارکت‌پذیری مردم/ عدم برخورد پسرالانه با توجه به فضای تعامل موجود بین مردم/ ایجاد انسجام بین مردم با حضور نمایندگان طوایف و یا خانواده‌ها در جلسات روستا/ سعی بر پیدا کردن فلفل اختلافات/ گذاشتن صندوق در مسجد برای کمک به مسجد و فقر/ استفاده از فضای مسجد برای سالن اجتماعات

بحث و گفتگو در مورد ظرفیت بالای گردشگری راهشماهی مردم به حفظ سلامت راهشماهی جوانان به شادی در عید نوروز در فضایی بدون ایجاد مزاحمت/ برجسته کردن قصبه محیط زیست، صرفه‌جویی در مصرف آب و برق و فرهنگسازی برای آن/ صحبت با مردم در مورد سنگ‌شور روستا/ ایجاد شناخت بیشتر در مردم راجع به محیط زیست و حفاظت از آن/ استفاده از ظرفیت‌های خطبه نماز جمعه برای مردم در مورد زمینه شادی و خوشحالی دین، پرهیز از مواد مخدر، خودکشی/ ایده صدفه ندرجی تراکم/ تلاش در جهت مسافرت درست زکات و مصادیق آن/ تلاش بر بالابودن مهریه/ صحبت با مردم در مورد پروژه‌ها قبل از اجرا/ برگزاری جلسه با اتحمن زیست‌محیطی/ برگزاری کلاس آموزشی برای زنان/ آگاهسازی از مورد تعلق آکار در زمینه رفع اختلافات و فرهنگ بداصحبت با افراد خیر و کمک به فقر/ خطبه جهت پیروی از محدودیت‌های اداره منابع طبیعی/ ایجاد نگاه مثبت در مردم نسبت به مدرسه/ بحث خرید زمین مخالف با هدف ساختن فضای عمومی/ پرداختن به مسائل بهداشتی در نماز جمعه/ بحث بر روی مشروبات الکلی و نتیجه داشتن آن/ صحبت در مورد مشکلات زباله در نماز جمعه/ صحبت با مردم در خصوص نیاز به احداث ناوایی/ تشخیص نیاز به تغییر و پیشرفته نمودن سیستم حوض و سرویس بهداشتی با توجه به افزایش جمعیت/ تشخیص افزایش جمعیت و نیاز به مسجد یا فضای بیشتر/ لزوم ایجاد فضایی برای حضور زنان در مراسم و عدم فشار به خانواده میت/ ارائه توسعه کتابخانه جهت استفاده جوانان/ اهمیت خواندن کتاب در ساخت کتابخانه/ لزوم تأسیس کتابخانه جهت فرهنگ کتابخوانی و اوقات فراغت سالم/ تشخیص ضرورت نیاز به درمانگاه با خرید زمین آن/ ارائه احداث سالن اجتماعات جهت مراسم زباله به منظور راحتی آنان و مراسم‌هایی که در چارچوب شرع و عرف باشد/ ارائه ایجاد سالن یا مسجد زنان به دلیل مستقل نبودن فضای فعلی/ تشویق جوانان به اشتغال/ تشویق زنان جهت حضور در نماز جمعه/ تشویق و ترغیب مردم در هر مراسمی به آبادانی و بهبود روستا/ اقدام و تشویق در مورد حل مسائل اجتماعی/ تشویق به تأمین نیروی کار جهت جبران کمبود نیروی بومی/ تشویق مردم/ تشویق مردم به دادن نهار و خدمت به کارگران در مسیر جاده‌کشی/ خطبه‌کشی/ تشویق مردم به جذب خانواده‌های دارای یتیم و حل مشکل آنان/ تشویق و ترغیب مردم به همکاری و جذب خودیاری/ تشویق و ترغیب به جذب کمک‌های مردم و خیرین/ تشویق و ترغیب مردم به پرداخت عوارض و استفاده از سطل‌های زباله/ تشویق عمومی جهت جلب مشارکت مالی/ تشویق روحانی به استفاده از سطل زباله/ تشویق مردم به همکاری جهت تهیه غذای کارگران/ همراهی روحانی در پروژه و تشویق مردم به مشارکت در آن/ تشویق و ترغیب برای انجام پروژه در نماز جمعه/ تشویق و ترغیب مردم در تأمین نیروی کار پروژه/ دهیاری/ نشست با جوانان جهت همکاری/ تشویق مردم به همکاری با بهداشت/ پیگیری خرید زمین برای میدان فوتبال با تشویق و ترغیب مردم



تعامل با مردم: همگامی، همکاری و همراهی با اقشار متنوع مردمی در امور مختلف مانند مراسمات ملی و محلی، اقدامات توسعه‌ای و زیست‌محیطی/ ارتباطات بین‌نسلی/ تلاش برای الگو بودن با فعالیت در اقدامات ایجاد همدلی و انسجام و تقویت روابط اجتماعی مردم و تلاش بر برداشتن تعصبات/ المس مشکلات مردم از نزدیک/ تأکید بر کسب رضایت و موافقت مردم در اجرای امور/ تعامل بالا با خانواده‌ها

تعامل با دهیار و شوراهای اسلامی: دلگرمی دادن به شورا و دهیاری در مشکلات/ کمک کار شورا و دهیار/ نشست با دهیاری و شوراهای روستا جهت حل مشکل/ همراهی و همکاری با پیمانکاران طرح‌ها/ اعتماد بودن شورا/ نزد ریش‌سفیدان و قبول داشتن انتخاب آنان/ درخواست شورا و دهیار از ریش‌سفیدان در حل مشکلات با موافقت و رضایت مردم/ صحبت با ریش‌سفیدان روستا در خصوص نحوه جلب کمک مردم در صورت عدم انجام از طریق بودجه دهیاری و جلب همکاری مردم در دیگر امور/ ضرورت تأسیس نهاد دهیاری در روستا از نگاه ریش‌سفیدان/ استفاده شورا و دهیاری از ظرفیت روحانی و ریش‌سفیدان در افشاء و راضی نمودن مردم در پروژه‌ها/ اشتوانه روحانی و ریش‌سفید برای شورا و جوانگو بودن دولت/ کمک گرفتن دهیاری از روحانیون و ریش‌سفیدان جهت رفع موانع/ درخواست دهیار از روحانی و ریش‌سفیدان جهت تأمین نیروی کار و غذای کارگران/ تعامل با شورا و دهیاری در تصمیم‌گیری‌های امور روستا

تعامل با دستگاه‌های اجرایی: برقراری روابط خوب با تکنسین‌ها/ همکاری با خانه بهداشت/ هماهنگی و همکاری با پیروز روستا/ حضور در جلسات خانه بهداشت/ ارتباط با خانه بهداشت روستا و شرکت در جلسات آن/ آکار کردن روحانی جهت تسریع در کار برقرسانی/ ایلاسر پروژه بودن در پروژه‌های دولتی/ نشست با خانه بهداشت روستا جهت حل مشکل زباله و تعیین مکان آن/ فعالیت خود روحانی در برقرسانی/ اسپرست کار مردم در پروژه‌های دولتی/ همکاری با دستگاه‌های اجرایی در صورت لزوم/ پیگیری خدمات اینترنتی از مخابرات/ مراجعه به سازمان‌ها جهت حل مشکلات مرزی/ دامداران/ مراجعه به فرمانداری و استانداری جهت جاده‌سازی/ پیگیری آوردن امکانات دولتی برای روستا/ پیگیری برقرسانی و آب‌رسانی روستا/ پیگیری تأسیس دهیاری/ مذاکره با آموزش و پرورش در خصوص تأسیس مدرسه راهشماهی/ اجلاس متعدد با فرماندار در مورد مشکلات مرز/ صحبت با فرماندار در خصوص کمک دولت در زیرساز گردشگری منطقه/ مراجعه به پزشکی جهت کمک به اقشار مستضعف/ پیگیری فعال‌سازی پرونده‌های متوقف‌شده/ نیازمندان روستا در بهزیستی/ نامه‌نگاری با مسئولان در خصوص مشکلات اقتصادی/ ارتباط با ارگان‌ها و مسئولین در مورد وضعیت روستا/ همراهی با نیروهای پیمانکار پروژه‌های دولتی/ تعامل و ارتباط دستگاه‌ها با روحانی

شکل ۱. نقش خبرگان سنتی روستا در راهبری بسترسازی مشارکت مردمی در اقدامات توسعه‌ای محلی (مورد مطالعه روستاهای کردستان- شهرستان سردشت)

۱.۵. تعامل با مردم و دستگاه‌های اجرایی

یکی از اقدامات مهم خبرگان سنتی در راهبری اقدامات توسعه‌ای در سطح اجتماع محلی با هدف بسترسازی، تعامل با مردم عادی روستا، شوراهای اسلامی و دهیاران و دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان مستقر آنها در روستا نظیر خانه بهداشت و مدرسه و همچنین پیمانکاران و تکنسین‌های مرتبط با اقدامات توسعه‌ای است که در روستا دارد اجرا می‌شود. تعامل خبرگان سنتی با گروه‌های مذکور ناظر بر برقراری روابط عاطفی در صورت لزوم، همراهی و همکاری و پیگیری مداوم امور است که حاصل آن ایجاد روابطی دوسویه است که می‌تواند بسترهای لازم را جهت راهبری بهتر امور به منظور توسعه اجتماع محلی فراهم نماید. از این رو خبرگان سنتی چه روحانیون و چه ریش‌سفیدان با ایجاد تعامل با مردم عادی روستا و نمایندگان آنها در شورای اسلامی و دهیاری و دستگاه‌های اجرایی، زمینه ایجاد تفاهم با

آنها را تسهیل نموده و از ظرفیت آنها در پیشبرد بهتر امور استفاده می‌کنند. در واقع با ایجاد تعامل و روابط متقابل و یا به تعبیری دیگر همراهی و همکاری، مسیر راهبری خبرگان سنتی در اقدامات توسعه‌ای هموارتر می‌شود. روحانیون با همگامی، همکاری و همراهی خود با مردم در اجرای پروژه‌ها، همراهی با اقبال خاص روستا نظیر جوانان و واداشتن جوانان و دیگر مردم به فعالیت و همکاری در عرصه‌های زیست‌محیطی، همراهی با مردم در اجرای مراسم‌های ملی و مذهبی و محلی، تشویق و ترغیب مردم در هر یک از حوزه‌های مذکور، دلگرمی دادن به مردم با حضور فعالانه خود، رابطه متقابل خوب و مبتنی بر احترام با جوانان، نزدیک کردن دلها به هم در روستا و برداشتن تعصبات، شب‌نشینی و اجرای مراسمات به منظور تقویت روابط اجتماعی تلاش می‌نمایند تا زمینه حضور مردم را در توسعه محلی فراهم نمایند. روحانیون با پشتوانه ریش‌سفیدان این گام‌ها را برداشته که نتیجه آن تسهیل بهتر حضور و مشارکت مردم در اجرای پروژه‌ها و کسب موافقت آنها با امور و اقداماتی است که قرار است انجام پذیرد. همکاری و همراهی روحانیون و ریش‌سفیدان با عامه مردم روستا، به هم‌افزایی مشارکت مردم انجامیده و زمینه همدلی را فراهم می‌نماید.

فعالیت روحانیون در پروژه‌هایی که در روستا اجرا می‌شود به گونه‌ای است که آنان پایه‌پای مردم و همراه با آنان کار می‌کنند که این نوع همراهی و همکاری سبب شده تا دلگرمی مردم به کار بیشتر شود و تسریع‌بخش کارها باشد. نتیجه چنین تعاملی زمینه‌ساز مشارکت بهتر مردم در کارها و موافقت آنها با انجام اموری است که روحانی از مردم درخواست کرده باشد. یکی از اعضای شورا در مورد یکی از روحانیون سابق روستای خود که در کارها با مردم همراهی و مشارکت می‌نمود، نقش وی در پروژه برق‌رسانی چنین توصیف می‌کرد:

ماموستا انقد مدیر خوبی برای کار بود که حتی خودش کار می‌کرد وقتی سیم‌ها را روی دوش می‌گذاشت ماشاالله عین جرثقیل بود.

ریش‌سفیدی نیز در باره وی چنین می‌گفت:

روحانی سابق در طرح برق‌رسانی جهاد سازندگی خیلی نقش داشت. او خودش مسیر به مسیر و در کوهستانهای سرسخت منطقه سیم‌ها را خودش حمل می‌کرد که تسریع در کار شود.

تعامل با دهیاری و شوراهای اسلامی روستا به عنوان مدیریت جدید امور روستایی، یکی دیگر از روش‌های روحانیون و ریش‌سفیدان در راستای راهبری توسعه محلی است. تعامل با این گروه از خبرگان روستایی، به هم‌افزایی مدیریت توسعه اجتماع محلی انجامیده و در واقع واکنش‌های تقابلی را بین آنها از بین می‌برد. ایجاد این نوع تعامل، بسترهای راهبری امور را که قسمت عظیمی از آن مبتنی بر تعامل و مشارکت است به نحو قابل قبولی فراهم می‌نماید. تجربه خبرگان سنتی در تعامل با شوراهای اسلامی و دهیاری روستا، بیانگر پذیرش الگوهای سنتی و نو مدیریت امور روستایی و توسعه روستایی است که بسته به موقعیت‌های مختلف از ظرفیت‌های آنها استفاده می‌شود.

روحانیون و ریش‌سفیدان از یک طرف در دلگرمی دادن به شوراها و دهیاران، کمک به آنها در پیشبرد امور و همراهی با آنها و از طرف دیگر با اعتماد به انتخاب و نیز اقدامات شوراها و دهیاری که حاصل تعامل دو طرفه است و تلاش در جهت برآورده کردن درخواست آنها مبنی بر کسب موافقت و رضایت مردم و جلب مشارکت آنها در انجام پروژه‌ها در تعامل دائمی با این گروه از افراد هستند. البته نباید این موضوع را فراموش کرد که یکی از تجارب مهم

خبرگان سنتی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به منظور بهبود وضعیت محلی است که با توجه به آنکه این اقدام مبتنی بر تعامل آنان با شوراهای اسلامی و دهیاری روستاست، می‌توان گفت تعامل این دو گروه در کل فرایند راهبری اقدامات توسعه‌ای تداوم دارد و در یک جا متوقف نمی‌شود. آن طور که از گفته‌های روحانیون، ریش‌سفیدان، اعضای شوراهای اسلامی و دهیاران برمی‌آید می‌توان گفت روحانی و ریش‌سفیدان پشتوانه این نهادها در روستا بوده و این نهادها نیز اکثر اقدامات خود را در صورتی که نیاز باشد با آنها در میان می‌گذارند. یکی از ریش‌سفیدان در این زمینه بر این باور بود که:

شورا معتمد ماست و به واسطه فامیلی و اینا نیست و اونا منتخب ما هستند. بنابراین دهیار انتخابی اونا رو قبول داریم. شورا و دهیار و ریش‌سفید و روحانی رابطه صمیمی دارند و ما همه کارامون در روستا با مشورت و هم‌اندیشی هم دیگه است.

در کنار تعامل مبتنی بر همراهی و همکاری خبرگان سنتی و شوراها و دهیاران، نباید از این واقعیت غافل شد که هنوز انتخابات شوراها مصون از روابط قومی و طایفه‌ای نیست و کماکان افرادی در برخی از روستاهای مورد تحقیق بر اساس اعتماد همه مردم انتخاب نمی‌شوند و این رأی طایفه‌ای است که آنها را بر مسند شورا می‌نشانند. ضمناً در برخی از روستاها بسیار تلاش شده و نتیجه هم داده که افرادی در نهاد شورای روستا مشارکت داشته باشند که معتمد مردم بوده و به نوعی از ویژگی‌های ریش‌سفیدی برخوردار باشند. یکی از ریش‌سفیدان که خودش قبلاً عضو شورا هم بوده، در رابطه با ارتباط شورا و ریش‌سفیدان به موضوع تشویق حضور افرادی از این جنس چنین اشاره می‌نمود:

رابطه شورا و ریش‌سفیدان بسیار صمیمی است من خودم خیلی علاقه داشتم که جوانان حضور داشته باشند ما که سن و سالمان رفته بالا من جوانان را تشویق می‌کنم که حضور داشته باشن من تعدادی جوان را تشویق کردم که بیان و مردم بهشون رأی بدن.

بنا بر گفته ریش‌سفیدان و روحانیون و اعضا شورا و دهیاران، پیوند تنگاتنگی در همه زمینه‌های امور روستایی در بین آنها وجود دارد. یکی از روحانیون به مواردی از ارتباط خود با شورا و دهیاری روستا چنین اشاره کرد که گویای دلگرمی دادن به آنها در پیشبرد کارهای سخت است.

ما با مجموعه شورا و دهیار بسیار تعامل داریم و اونا هم بسیار فعالند اونا جوانند البته من بیشتر نقش میانجی و آرام‌کننده را دارم. در طرح سنگ‌فرش اونا خیلی از مردم گفتند که چرا ما عقب‌نشینی کردیم و فلان خانواده عقب‌نشینی نکرد به هر حال مشکلاتی از این دست هست معمولاً شورا و دهیار که در این روستا واقعاً خدمتگذاران که در این چند سال چند صد میلیون اعتبار جذب کردن ولی پیش می‌آد که انگشت اتهام هم به سمتشون می‌ره ولی من با اونا صحبت می‌کنم و می‌گم که خدمت کردن این مشکلات هم دارد و گرنه اونا بسیار فعالند و من به اونا دلگرمی می‌دم. من مثال‌های سختکوشی پیامبر و صبوری ایشان را براشون توضیح می‌دم که دلشان از اتهام و نارضایتی مردم نرنجه و به کار ادامه بدن.

یکی از ریش‌سفیدان که قبلاً عضو شورای روستا بوده با تأکید بر ضرورت نهادمندی مدیریت روستایی، یکی از کارکردهای ارزش‌های سنتی را ایجاد پشتوانه معنوی برای نهاد شورا و دهیاری می‌دانست که در واقع روحانیون و

ریش‌سفیدان توانسته‌اند با حمایت و تعامل خود با نهادهای جدید مدیریت توسعه روستایی، این نقش را ایفا نمایند. وی در این خصوص می‌گفت:

روحانی مبلغ دینی است ولی امروز دنیا پیشرفت کرده است. نهاد دهیاری حالت قانونمندی به قضیه داده. روحانیت و ریش‌سفیدان نقش پشتوانه برای اونا دارند و نقش معنوی دارند امروز وظیفه روحانی فقط تبلیغ دینی نیست بنابراین باید در این کارها دخیل باشد. بنابراین روحانی نقش دیگه ای ایفا می‌کنه. به هر صورت با توجه به پیشرفت دنیای امروز نیاز بود تا نهادمندی صورت بگیرد ولی ارزش‌های سنتی کارکرد خود را دارند. در پروژه‌ها و آبادانی همیشه بعد معنوی پشت قضیه بوده که روحانی این نقش را ایفا نموده است. این بعد معنوی محرکی برای پیشبرد کارها است. اصلاً روستاهایی که روحانی ندارند با روستاهای دیگه از نظر اینکه روحانی ندارند توسعه کمتر است.

یکی از دهیاران در مورد تعامل خود با روحانیون و ریش‌سفیدان اینگونه می‌گفت:

ما هم در کلیه کارهای روستا درگیریم و ریش‌سفیدان هم ما را در کارهای خود درگیر می‌کنن من هم به نوبه خود کما اینکه با شورا مشورت می‌کنم و در ارتباطم با روحانی و ریش‌سفیدان هم موضوعات دهیاری را در میان می‌گذارم. از پیشنهاد طرح‌ها تا اجرا اونا رو درگیر می‌کنم. مثلاً یکی از ریش‌سفیدان که مسئولیت توسعه مسجد و ساخت کتابخانه را بر عهده داره بیشتر از من نظر می‌خواد تا از هیأت امناء و دیگه ریش‌سفیدان. روحانی روستا هم همین طوره. خوشبختانه در اینجا تعامل بالاست در خیلی روستاها دهیار با شورا درگیره. چون طایفه‌گریه و اونا نمی‌تونن مصوبه‌ای داشته باشن ولی خوشبختانه اینجا تعامل بالاست. شوراها ما جوروی‌ان که هر کدام از ریاست و داشتن مهر سرباز می‌زنن در حالیکه در روستاهایی هست که بر سر داشتن مهر دعواس.

تعامل خبرگان سنتی با دستگاه‌های اجرایی یکی دیگر از تجارب آنها در راهبری توسعه اجتماع محلی است. اتخاذ این روش در زمینه‌سازی جهت بهبود وضعیت، هم توسط روحانیون و هم توسط ریش‌سفیدان انجام می‌گیرد. تعامل خبرگان سنتی با دستگاه‌های اجرایی در سطح شهر و نیز نمایندگان اداری نظیر خانه بهداشت و مدرسه و یا نمایندگانی که مدیریت پروژه‌های دولت‌محور را در سطح روستا برعهده دارند، طیفی از روابط مبتنی بر همکاری و همراهی، هماهنگی، مراجعه مداوم به سازمان‌ها در خصوص مشکلات محلی و مذاکره، مشورت و پیگیری آن را در برمی‌گیرد. روحانیون به عنوان خبرگان سنتی روستا، در زمانی که طرح‌های جهاد سازندگی نظیر برق‌رسانی و آبرسانی انجام می‌شد تعامل بسیار خوبی با این نهاد داشتند به گونه‌ای که مدیریت مشارکت مردمی را برعهده داشته و نماینده مردم در ارتباط با دولت محسوب می‌شدند. این وضعیت در زمان کنونی نیز وجود دارد و از درجه اهمیت آن کاسته نشده است. همکاری و همراهی آنها با مهندسين و تکسین‌های پروژه‌های دولتی، ارتباط با مدیران و معلمان مدارس، ارتباط مداوم با خانه بهداشت در خصوص طرح مشکلات بهداشت محلی و حل آنها و در مجموع همکاری با دستگاه‌های اجرایی در صورت لزوم از جمله تجارب مهم این دسته از خبرگان در زمینه‌های توسعه محلی است. یکی از روحانیون در خصوص تعامل خود با خانه بهداشت روستا به عنوان نماینده شبکه بهداشت شهرستان چنین می‌گفت:

در باره امر بهداشتی باید بگویم که با بهورز روستا کاملاً هماهنگی است و در طرحها باهاشون همکاری داریم و مردم را توجیه می‌کنیم که رابطی بین مردم و اون هستیم و بنابراین تشویق می‌شن که مشارکت داشته باشن و خانه بهداشت که نمی‌تونه مردم را در طرح سلامتی توجیه کنه ما مردم را تشویق به همکاری می‌کنیم. برخی مواقع بهداشت

جلساتی را تشکیل می‌دهد ما شرکت می‌کنیم و در جلساتی که مباحثه در این زمینه در بهداشت حضور داریم و مشارکت می‌کنیم.

ریش سفیدان نیز در کنار روحانیون در همراهی و همکاری با دستگاه‌های اجرایی جهت بهبود وضعیت اجتماع محلی پیشتاز هستند. مراجعه به دستگاه‌های اجرایی جهت حل مسایل و مشکلات روستا و خدمات‌رسانی و پیگیری آن از این دستگاه‌ها و ارتباط و تعامل مداوم در رابطه با امور اجتماع محلی از یک طرف و اعتماد نهادهای دولتی به این افراد به ویژه روحانیون در جهت پیشبرد وظایف و طرح‌های دولت از طرف دیگر بخشی از تجارب خبرگان سنتی در تعامل با دولت به حساب می‌آید. اقدامات مربوط به پیگیری مشکلات اجتماع محلی از دستگاه‌های اجرایی جهت حل، رفع و اصلاح و در مجموع پروژه‌های خدمت‌رسانی توسط تیم ریش سفیدان و روحانی به صورت مشترک صورت می‌گیرد. در واقع روحانی با پشتوانه ریش سفیدان در پیگیری خدمات و اصلاح و رفع مشکلات محلی توسط دولت گام برمی‌دارد. این پیگیری و نشست‌ها مداوم بوده و معمولاً تلاش بر آن است تا به نتیجه برسد.

از جمله مواردی که روحانیون و ریش سفیدان با دستگاه‌های اجرایی در جهت بهبود وضعیت اجتماعی در تعامل بوده می‌توان به پیگیری از مخابرات، مراجعه به سازمان‌ها جهت حل مشکلات مرزی دامداران، مشکلات معیشت مرزی، خدمات اینترنتی، برق‌رسانی، آب‌رسانی تأسیس دهیاری، تأسیس مدرسه راهنمایی، زیرسازی گردشگری منطقه، کمک به اقشار مستضعف، حل مشکلات اقتصادی و دیگر امکانات دولتی اشاره نمود. یکی از روحانیون در خصوص پیگیری مشکلات دامداران روستا از مراجع دولتی که مراتع‌شان در مناطق مرزی بوده، اقدامات خود را چنین توضیح می‌داد:

درآمد اصلی این منطقه مرز است و چون امسال مرزها را بستند برای مردم مشکل ایجاد می‌شود من بارها با فرمانداری جلسه گذاشتم و در این خصوص و مرز صحبت کردم. من گفتم در بین مردم ما دامداری کم است چون نیروی انتظامی در بیلاق مزاحمت ایجاد می‌کند که من به سازمان‌های مختلف مراجعه می‌کنم که بگذارند مردم دامداری کنند که به خاطر مرز مشکل ایجاد می‌شود چون عبور از مرز سخت است. در حالیکه به فرماندار گفتم که اگر کار مرزی نباشد چی کار کنند من با روحانیت منطقه و دهیاران جلساتی داشتیم که این مشکلات رفع شود. متأسفانه در این خصوص معیشت مرزی است و اگر اقدامی هم برای توسعه اشتغال شود مثلاً همین ظرفیت دامداری، باز مرز ایجاد مشکل می‌کند چون بیلاق در مرزها است که این موضوع به نیروی انتظامی مربوط است که علیرغم مراجعه‌های متعدد کاری انجام نشده است.

یکی از ریش سفیدان که قبلاً تا سطح شورای شهرستان نیز پیش رفته با بیان اینکه ما نمی‌توانیم نسبت به مشکلات محلی بی‌تفاوت باشیم بیان داشت که با ارسال نامه‌ای پیگیر حل مشکلات و توجه بیشتر دولت به مشکلات اقتصادی منطقه شده است. وی تعامل دائمی خبرگان سنتی اجتماعات روستایی با دولت را امری مداوم در راستای بهبود وضعیت اجتماع محلی برمی‌شمرد.

در مجموع باید گفت که یکی از روش‌های ریش سفیدان و روحانیون در زمینه‌سازی و بسترسازی بهبود وضعیت اجتماع محلی، تعامل با مردم عادی روستا، شوراهای دهیاران و دستگاه‌های اجرایی است. تعامل به همراهی و همکاری

بین خبرگان سنتی با آنهایی که تعامل برقرار می‌کنند می‌انجامد که ماحصل آن چیزی جز بسترسازی توسعه محلی و راهبری بهتر امور و اقدامات توسعه‌ای نیست.

۲.۵. شناسایی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی

مشارکت مردم اجتماع محلی در امور از یک طرف و دیگر ظرفیت‌هایی که در اجتماعات روستایی وجود دارد، باعث شده تا خبرگان سنتی در راستای شناسایی و بهره‌گیری از آنها اقدامات لازم را به عمل آورند. از جمله ظرفیت‌های اجتماع محلی می‌توان به مواردی نظیر تأمین نیروی کار و غذای کارگران توسط مردم در پروژه‌ها به صورت داوطلبانه، خودیاری مردم در پروژه‌ها مثل تأمین نیروی کار و پرداخت پول با توجه به توان مالی، کمک مالی خیرین، همکاری و رابطه خوب بین شورا، دهیاری، روحانی و ریش‌سفیدان، حضور جوانان در تیم ریش‌سفیدان روستا، فعالیت و مشارکت بالای جوانان در روستا، کار رایگان و بدون انتظار و پاداش جوانان، مشارکت مردم جهت جبران کمی بودجه دهیاری با تأمین نیروی کار و تأمین ناهار، وجود تعاون و کمک‌های خودجوش مردمی به طور سنتی در بهبود وضعیت فقرا و اقشار، مشورتی بودن کلیه کارها و تعامل کامل در روستا، جوانان فعال در امور زیست‌محیطی، جوانان فعال در امور دینی، کمک به مردم فقیر و بیوه‌زنان، یکدستی شورا، روحانی و ریش‌سفیدان در امور روستا، نقش بزرگ روحانی در حل مشکلات اجتماعی، سطح پائین آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد به مواد مخدر، طلاق و مشکلات خانواده، امکان اشتغالزایی با بسترسازی گردشگری و کاهش وابستگی به درآمدهای کاذب مرزی، نقش روحانی در فراهم نمودن بستر فرهنگی محیط زیست، اشتیاق و علاقه جوانان به حفظ محیط زیست، وجود صندوق جهت کمک به فقرا، نقش روحانی و ریش‌سفیدان در حل اختلافات، تبعیت جوانان از روحانی، ظرفیت روستا در دامداری به واسطه وجود جنگل و آب، کمبود فقیر مالی در روستا و تلاش بر کمک بیشتر به آن افراد، شهیر شدن برخی از روستاها در بحث ریش‌سفیدی، روابط اجتماعی سالم، پایبندی دینی مردم، کم شدن اختلافات در روستا به دلیل کم شدن زمینه‌های اختلاف و مدارای بیشتر مردم با همدیگر، ارتباط روحانی با دولت و مردم و زمینه تشویق دولت به دامداری با توجه به ظرفیت جنگل‌ها و مشکلات مرز اشاره نمود.

روحانیون هم به صورت فردی و هم همراه با ریش‌سفیدان و هم ریش‌سفیدان با همدیگر، با به کارگیری شیوه‌های مختلف تلاش دارند تا از ظرفیت‌های محلی با هدف بسترسازی بهتر برای توسعه اجتماع محلی گام بردارند. روحانیون با ساماندهی ظرفیت‌هایی نظیر زکات و کمک‌های مالی خیرین، استفاده از ظرفیت مراسم ملی، محلی و مذهبی در ارتقای نشاط محلی، شناسایی افراد و مسئولیت دادن به آنها بسته به نوع توانایی جهت مشارکت در پروژه‌ها و برنامه‌های گوناگون و جلب مشارکت مردم با اتخاذ روش‌های داوطلبانه و دلخواهی، اقدامات مختلفی را در بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی به عمل آورده‌اند.

یکی از روحانیون در زمینه استفاده از زکات در حل مشکلات افراد فقیر روستا می‌گفت که:

مثلاً خانواده‌ای داریم که یک خانم پیر تنها زندگی می‌کند و یا افراد فقیر دیگه ما اومدیم که زکات را ساماندهی کنیم و مثلاً به این افراد بدیم که مشکلات حل شه یعنی هر کسی تنهایی خودش در مورد زکات اقدام نکنه. بنابراین در خطبه‌ها بر این موضوع صحبت کردیم و مشکل حل شده. اینجا خونواده‌ای بوده که با همکاری مردم یتیم‌ش بزرگ شده و الان اصلاً مشکل مالی ندارن.

آن طور که برخی از روحانیون اشاره می‌کردند، با توجه به تغییراتی که به وجود آمده فهم درستی از مصارف زکات وجود ندارد یکی از آنها با اشاره به اینکه ضعف فرهنگ‌سازی در این زمینه وجود دارد، چنین می‌گفت:

در مورد مصارف زکات ما این مشکل را داریم که هنوز فهم درستی از زکات وجود ندارد که من سعی کردم این مسأله روشن شود و فقط گندم و جو زکات ندارد. بلکه گردو و انگور که محصول اصلی منطقه هستند زکات دارند. بنابراین فرهنگ‌سازی نشده.

روحانیون همراه با ریش‌سفیدان در زمینه شناسایی ظرفیت‌های محلی و بهره‌گیری از آنها با اقداماتی نظیر ایجاد انسجام بین مردم با حضور نمایندگان طوایف و یا خانواده‌ها در جلسات روستا و ایجاد صندوق‌های کوچک مالی حسب توانائی مالی مردم روستا در بسترسازی توسعه گام برمی‌دارند. آنها نیز در بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی، اصل را بر مشارکت خودجوش مردم و بسته به توانایی‌شان قرار می‌دهند.

ریش‌سفیدان نیز با بها دادن به جوانان و تشویق آنان به حضور در شورای اسلامی روستا و دهیاری و بهره‌گیری از توان افراد علاقمند به کار در شناسایی و به کارگیری ظرفیت‌های محلی پیشگام بوده ضمن اینکه نگاه آنها استبدادی و پدرسالارانه نبوده بلکه با توجه به فضای مشارکتی و تعاملی روستا اساس بهره‌گیری از ظرفیت‌های مشارکتی را بر عدم فشار به مردم و تحمیلی نبودن قرار می‌دهند.

در مجموع خبرگان سنتی با اتخاذ اصل مشارکت و رضایت مردم در فضائی خالی از استبداد، بسترهای بهبود وضعیت اجتماع محلی را فراهم می‌نمایند. تأکید بر داوطلبانه بودن استفاده از ظرفیت‌های مشارکتی روستا و رضایت و موافقت مردم در امور، به تقویت و استحکام پیوندهای اجتماعات محلی و تداوم بهگشت آنها انجامیده است. یکی از ریش‌سفیدان در این زمینه می‌گفت:

در امور مسجد من خودم مدیریت کار را بر عهده داشتم. ما فشاری بر مردم وارد نکردیم که این مقدار پول بدن. مردم هر چه در توان داشتن خودشون کمک و مشارکت کردن. ضمناً از هیچ کسی هم کمک نخواستیم که خونه به خونه بریم بگیم در ساخت مسجد به ما کمک کنن. فرد به دلخواه خودش اومده کمک کرده و نیروی کارگری هم به شیوه‌ای بود که مردم هر کی مشتاق بود می‌اومد و کمک می‌کرد. کار به شیوه همیاری و دلخواهانه بوده.

یکی دیگر از ریش‌سفیدان در رابطه با تهیه زمین مدرسه راهنمایی و درمانگاه توسط مردم به صورت داوطلبانه علیرغم اینکه کاربری آن فقط برای روستا نبود می‌گفت:

زمین مدرسه بوده که برای دو مدرسه مردم زمینشو دادن هم راهنمایی و هم ابتدایی که ده میلیون شد و مردم خودشون دادن البته اجباری نبود و مردم دلخواهانه دادن و هزینه زمین درمانگاه هم مردم خودشون دادن. مردم دوست داشتن که مدرسه راهنمایی و درمانگاه که برای مردم روستا فقط نیست در روستای ما باشد این پیشرفت و افتخار روستای ماست.

۳.۵. آگاه‌سازی و ارائه ایده

روحانیون با استفاده از ظرفیت خطبه‌خوانی در نماز جمعه و ارتباط متقابل با مردم که در بخش قبلی تشریح شد، در زمینه‌های گوناگونی تلاش دارند تا با تشویق و ترغیب مردم، گفتگو با آنها و ارائه ایده در خصوص بهبود وضعیت محلی، اقدامات گوناگونی را جهت بسترسازی توسعه به عمل آورند. این دسته از اقدامات آنها باعث شده تا مردم در

موارد مختلفی به وضعیت اجتماع محلی آگاه شده، مسائل و مشکلات شناخته شده، ضرورت پرداختن به این مشکلات مطرح گردیده ضمن آنکه ایده‌هایی متناسب با شرایط و وضعیت اجتماع محلی در جهت بهبود و حل مشکلات ارائه گردد. آگاه‌سازی مردم زمینه‌ای در جهت متقاعدسازی مردم جهت کسب موافقت آنها با اقدامات توسعه‌ای و جلب مشارکت مردم بوده است. آگاه‌سازی و ارائه ایده در زمینه‌های گوناگونی نظیر بسترسازی جهت بهبود وضعیت اقتصادی (صحبت بر روی موضوع ظرفیت بالای گردشگری منطقه، ایده صدقه‌تدریجی تراکمی، تلاش در جهت مصارف درست زکات، فرهنگ‌سازی در مورد مصادیق زکات، صحبت با افراد خیر و کمک به فقرا، تشویق جوانان به اشتغال اما نه به صورت گسترده، وجود صندوق خیرات و تشویق خیرین به کمک به فقرا و ظرفیت‌های احیا و گسترش دامداری)، بهبود وضعیت فرهنگی و اجتماعی (راهنمایی مردم به حفظ سلامت، راهنمایی جوانان به شادی در عید نوروز در فضائی بدون ایجاد مزاحمت، خطبه برای مردم در مورد زمینه شادی و خوشحالی دین اسلام، خطبه در مورد مواد مخدر، مشروبات الکلی، خودکشی، مسائل خانوادگی، اختلافات و مراسم‌های دینی و ملی و محلی، اختصاص خطبه به صرفه‌جویی در آب، بحث خرید زمین مخالف با هدف ساختن فضای عمومی و زمین فوتبال، تشخیص نیاز به تغییر و پیشرفته نمودن سیستم حوض و سرویس بهداشتی، نیاز به فضای بیشتر مسجد و با توجه به افزایش جمعیت، لزوم تأسیس کتابخانه جهت فرهنگ کتابخوانی و اوقات فراغت سالم، تشخیص ضرورت نیاز به درمانگاه با خرید زمین آن و تشویق مردم به همکاری با بهداشت)، حفظ وضعیت محیط زیست (برجسته‌کردن قضیه محیط زیست و فرهنگ‌سازی برای آن، ایجاد شناخت بیشتر در مردم راجع به محیط زیست، خطبه جهت پیروی از محدودیت‌های اداره منابع طبیعی، تأکید بر عدم استفاده از سفره یک بار مصرف، برگزاری جلسه با انجمن زیست‌محیطی، بحث با جوانان در مورد محیط زیست، صحبت در مورد مشکلات زباله در نماز جمعه و خطبه‌خوانی در مورد حفاظت از محیط زیست در ابتدای فصل بهار)، ارتقای مشارکت مردمی (تشویق به تأمین نیروی کار، دادن ناهار و خدمت به کارگران جهت جبران کسری بودجه دهیاری و مشارکت مردم، تشویق و ترغیب مردم به همکاری و جذب خودیاری، تشویق و ترغیب به جذب کمک‌های مردم و خیرین و تشویق و ترغیب مردم به پرداخت عوارض و استفاده از سطل‌های زباله) و متقاعدسازی و کسب رضایت مردم (صحبت با مردم در مورد پروژه‌ها قبل از اجرا و رضایت جهت رفع موانع) صورت می‌گیرد.

حفاظت از محیط زیست یکی از حوزه‌هایی است که روحانیون خطبه‌های زیادی را به آن اختصاص می‌دهد. تا جائیکه یکی از روحانیون منطقه، تقدیرنامه‌ای را به مناسبت تلاش‌هایش در راستای حفاظت از محیط زیست از دست مدیر کل مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست دریافت کرده است. یکی از روحانیون در این زمینه می‌گفت:

در مورد حفظ محیط زیست باید بگم که روحانی در اول بهار پیش از همه چیز که به مردم اعلام می‌کنم مسأله حفاظت از محیط زیست است از آب‌ها مراقبت کنند مردم حتی در جاهایی رفع حاجت نکنند که سایه و یا محیط مناسبی باشد از مردم همیشه می‌خوام که با نهایت به محیط زیست احترام بگذارند. از جویبارها و سایه‌ها مراقبت کنند زندگی ما به این محیط وابسته است. رفتار مردم در سالهای اخیر بسیار با محیط بهتر شده سالانه منابع طبیعی اعلام می‌کند که این اقدامات را انجام بدید ما حتی اگر مشکل برای مردم باشد ولی عمل می‌کنیم.

روحانیون در زمینه آگاه‌سازی مردم و ارائه ایده‌های گوناگون جهت بهبود وضعیت اجتماع محلی نقش زیادی داشته و دارند که توانسته بسترهای توسعه را در اجتماع محلی فراهم نماید. تجارب روحانیون در این زمینه‌ها بیانگر نقش بی‌بدیل آنها در بسترسازی توسعه است که ریش سفیدان، شوراهای اسلامی و دهیاران آن را تأیید می‌کنند.

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد فرایند رهبری بهبود وضعیت اجتماع محلی نیازمند ایجاد بستری از تعامل با مردم اجتماع محلی، دیگر خبرگان محلی و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با اجتماع محلی، تکیه بر ظرفیت‌های محلی و آگاه‌سازی است و بدون ایجاد چنین فضایی، مابقی فرایندهای رهبری نتیجه رضایت‌بخشی دربر نخواهد داشت.

خبرگان سنتی، تعامل زیادی با آحاد مردم اجتماع داشته که باعث شده تا آنان با تکیه بر این راهبرد، زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای راهبری مردم در پیشبرد اقدامات توسعه‌ای فراهم نمایند. تعامل فقط به تعامل با مردم عادی خلاصه نشده و دربردارنده تعامل با خبرگان و افراد برجسته اجتماع محلی به طور ویژه نیز هست، به گونه‌ای که خبرگان سنتی در راستای تأثیرگذاری بر بهبود وضعیت اجتماع محلی، تعامل با مردم عادی و خبرگان، آنها را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند. تعامل در این سطح، سبب شده تا سرمایه اجتماعی مبتنی بر انسجام و همبستگی، همکاری و مشارکت و اعتماد در اجتماع محلی تقویت شده و هم‌افزایی آن را دربرداشته باشد. در واقع روحانیون و ریش سفیدان با تأکید و تکیه بر تعامل، سرمایه اجتماعی پیوندی را امر مهمی در پیشبرد اهداف بهبود وضعیت اجتماع محلی برمی‌شمارند. خبرگان سنتی به تعامل و سرمایه پیوندی در سطح اجتماع محلی اکتفا نکرده و آنها با هدف پیشرفت و ترقی اجتماع خود، یک گام جلوتر نهاده و به تعامل با نهادها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با امور اجتماع محلی نیز می‌پردازند. تعامل با نهادهای دولتی و غیره در سطوح مختلفی مثل تعامل با بخش‌های عملیاتی پروژه‌ها، ارتباط مداوم با نهادها و طرح و پیگیری مشکلات محلی اتفاق می‌افتد. این عرصه از تعامل سبب شده تا دستگاه‌های دولتی نیز از این ظرفیت در پیشبرد اقدامات خود استفاده نموده ضمن آنکه ارتباط دولت با اجتماع محلی برقرار شده و اجتماع محلی در حالت انزوا قرار نگیرد به گونه‌ای که نه خود مردم به دولت دسترسی داشته و نه دولت از مشکلات و مسائل آنان بی‌خبر باشد. این گونه تعامل بیانگر سرمایه اجتماعی پل‌زننده بوده که مطابق با آنچه در دیدگاه نظری هم‌افزایی و نهادی دیده می‌شود، پیوندهای محکمی در اجتماع محلی وجود داشته که خبرگان برخاسته از این اجتماع نیز با اتصال به نهادها و ایجاد پلی بین مردم و دولت، سرمایه پیوندی خود را افزایش داده و به نوعی بین اجتماع و بیرون از آن، ارتباط وثیقی را برقرار نموده‌اند. در چنین وضعیتی اعتماد بین دولت و اجتماع محلی نیز بیشتر شده به گونه‌ای که در صورت درخواست خبرگان سنتی از مردم جهت همکاری در پروژه‌ها و یا موافقت با آن، مردم از ایفای نقش لازم هیچ گونه دریغی نمی‌کنند. از این رو باید گفت تعامل خبرگان سنتی در سطوحی که به آن اشاره شد، گام مهمی در بسترسازی برای ایجاد بهبود و رهبری مردم به حساب می‌آید.

خبرگان سنتی در این زمینه به تعامل صرف که دربردارنده ارتباط رودررو با مردم و پیگیری امور با مشاورت آنها بوده اکتفا نکرده بلکه آنها با آگاه‌سازی مردم و ارائه ایده‌های لازم در سطح بیشتری زمینه‌سازی کرده‌اند. آگاه‌سازی و ارائه ایده‌ها که معمولاً در قالب خطبه‌های دینی نماز جمعه توسط روحانیون بیان می‌شود، دانش لازم را برای مردم

اجتماع محلی در خصوص شناخت اقدامات فراهم می‌آورد. ضمن آنکه مردم با تشویق و ترغیب‌های لازم روحانیون و توجیه و متقاعدسازی بر مبنای آموزه‌های دینی، آمادگی ورود به مشارکت در اقدامات توسعه‌ای و موافقت با آن را پیدا می‌کنند. آگاه‌سازی وجه مهمی از زمینه‌سازی برای ورود در اقدامات توسعه‌ای بوده و در واقع پیش‌نیاز سایر اقداماتی است که در راهبری این دسته از اقدامات صورت می‌گیرد. این مؤلفه مهم در بسترسازی با مفهوم بسیج آگاهی در نظریه کلندرمین در خصوص مدل ارزش انتظار در مشارکت صدق می‌کند. از این رو همان طور که در این نظریه اشاره شد، آگاه‌سازی، ایجاد بستر برای ادامه فرایند راهبری است. روحانیون تلاش می‌کنند تا با آگاه‌سازی، مردم را برای مشارکت آماده سازند. در واقع مردم اجتماع محلی با این اقدامات روحانیون آماده می‌شوند تا توسعه را پذیرا شده و در آن مشارکت داشته باشند.

در راستای بسترسازی، خبرگان سنتی با شناخت ظرفیت‌های محلی و استفاده از آنها با اتکا به دانش بومی، تلاش دارند تا تکیه بر ظرفیت‌های محلی را در اولویت توسعه آن قرار دهند. راهبری اقدامات توسعه‌ای زمانی به نتایج مورد نظر می‌رسد که بتوان ظرفیت‌های محلی را در پیشبرد کار لحاظ کرد. لازمه این امر شناخت این ظرفیت‌ها و کاربرد آنها در عمل است. خبرگان سنتی کاربرد ظرفیت‌ها را نه در زمانه مدرن بلکه استفاده از آنها را به عنوان بخش مهمی از دانش بومی از گذشته به کار گرفته‌اند. بنابراین می‌توان گفت اگر امروزه در رویکردهای نوین بر دانش بومی و دارایی‌های محلی در توسعه (رویکردهای پساتوسعه‌ای، دانش بومی و دارائی مینا) تأکید می‌شود این حوزه کاربرد از گذشته در اجتماع محلی حضور داشته و در واقع بسترسازی برای بهبود وضعیت اجتماع محلی زمانی اتفاق می‌افتد که خبرگان سنتی با شناخت ظرفیت‌های محلی و به کارگیری آنها توسعه را راهبری نمایند. مشارکت، سرمایه اجتماعی، توان فنی و بدنی و دانش بومی از جمله ظرفیت‌های مهم اجتماع محلی هستند که شناسایی و از آنها در پیشبرد کار استفاده می‌شود. کاربرد ظرفیت‌ها و استفاده از آنها به نوعی با رویکرد دارایی مینا انطباق داشته و برخلاف رویکرد پساتوسعه‌ای که تأکید بر بازگشت به دانش بومی و سنت‌های محلی دارد، این واقعیت هنوز در اجتماعات روستایی شهرستان سردشت برقرار است.

به طور کلی خبرگان سنتی اصول خاصی در راهبری امور دارند که در وهله اول و قبل از آغاز هر حرکتی در فرایند راهبری، دارای سطح وسیعی از تعامل با اجتماع محلی و خارج از آن بوده و سپس با آگاه‌سازی جامعه و شناخت ظرفیت‌های آن بسترهای مورد نیاز را برای راهبری عملی امور فراهم می‌نمایند. پس در صورت آماده‌سازی بستر اجتماع محلی است که می‌توان گام در راهبری مردم به منظور رسیدن به اهداف خاصی برداشت.

تطبیق نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در خارج از کشور نیز، نشان می‌دهد رهبران اجتماع محلی متناسب با فرهنگ و شرایط بومی و سنتی جامعه، نقش مهمی در اداره امور دارند که امروزه نیز ظرفیت‌های تأثیرگذاری تلقی می‌شوند. همانطور که مشاهده شد در آن کشورها بر ایجاد هم‌افزایی در رهبری سنتی و مدرن جامعه تأکید و تلاش می‌شود. بنابراین با توجه به نتایجی که ارائه شد، در ایران نیز لازم است از این ظرفیت در بهبود و ارتقای توسعه اجتماعات روستایی بهره گرفت. لذا در ادامه به ارائه پیشنهادهاى تحقق این ظرفیت‌ها پرداخته خواهد شد.

نباید دستگاه‌های اجرایی مدیریت توسعه روستایی و اجتماع محلی نقش خبرگان سنتی را در تقویت سرمایه‌های اجتماعی پیوندی و پل‌زننده نادیده بگیرند. دستگاه‌های اجرایی با برخورداری از این ظرفیت و تقویت آن از زمینه

مناسبتی برای حکمرانی خوب برخوردار هستند. به نظر می‌رسد با توجه به این ظرفیت مهم ضمن اینکه نباید از ظرفیت‌های نهادی توسعه روستایی مغفول ماند اما نباید دولت فقط به این ظرفیت در ارتباط با خود اکتفا نماید بلکه همان طوری که در وضعیت فعلی خبرگان سنتی ارتباط خوبی با دستگاه‌ها و نهادها دارند، استفاده از این ظرفیت نیز در کنار تقویت ظرفیت نهادی، تعامل با اجتماع محلی را در راستای توسعه مردم‌گرایانه و مبتنی بر برنامه‌ریزی از پایین به بالا بهبود خواهد بخشید.

پیشنهاد اول: تداوم و تقویت استفاده از ظرفیت سرمایه اجتماعی پل‌زننده خبرگان سنتی در ارتباط دولت با اجتماع

محلی (ماهیت پیشنهاد: اجرایی - متولی: دستگاه‌های اجرایی مدیریت توسعه روستایی)

تجربه آگاه‌سازی و ارائه ایده، فرصت مناسبی در استفاده دستگاه‌های مدیریت توسعه روستایی به منظور فراهم نمودن مسیر ورود به توسعه محلی مردم‌گرایانه است. زیرا زمانی که بتوان اقدامات را به مردم شناساند، زمینه شکل‌گیری این نوع توسعه فراهم خواهد شد. دستگاه‌ها در صورتی که به این نوع از راهبرد توسعه پایبند باشند راهی جز استفاده از این ظرفیت‌های محلی ندارند. این کار، گامی مهم در حرکت به سمت بسیج کنش نیز اتفاق می‌افتد.

پیشنهاد دوم: معرفی اقدامات توسعه‌ای مبتنی بر مدیریت دستگاه‌های اجرایی با هدف بسیج آگاهی مردم اجتماع

محلی در راستای بسط ایده توسعه مردم‌گرایانه (ماهیت پیشنهاد: اجرایی - متولی: دستگاه‌های اجرایی مدیریت توسعه

روستایی)

اگرچه در این تجربه خبرگان سنتی در راهبری، بیشتر می‌توان کارکردهای مثبت را در بسترسازی مشاهده نمود اما در مواقعی نیز اتفاق افتاده که آگاه‌سازی توسط برخی از روحانیون به صورتی انجام گرفته که کارکردی منفی را از خود برجای گذاشته و در پی آن بوده تا مردم را از اقدامات مثبتی که در جهت بهبود وضعیت آنها بوده روی برگردانند. مخالفت چندین ساله یکی از روحانیون منطقه با سیاست تنظیم خانواده و برنامه‌های خانه بهداشت روستا باعث شده بود تا زنان چه اینکه توجیه شده باشند یا اینکه متأثر از تهدید همسران خود، در برنامه‌های تنظیم خانواده شرکت نکنند و سلامتی آنها در خطر بیفتد. ضمن اینکه برخی از روحانیون و ریش‌سفیدان با توجیه اینکه طرح آب‌رسانی و لوله‌کشی روستا، هدیه مقام معظم رهبری بوده که البته بر روی تابلوی برخوردارهای روستا این موضوع درج شده، از پرداخت هزینه ماهانه آب به اداره آب و فاضلاب روستایی خودداری نموده که این نیز باعث شده تا این اداره خود را در قبال خرابی و تعمیرات تجهیزات لوله‌کشی مسئول نداند. اخیراً پس از مشکلات زیادی که در این زمینه رخ داده است تا حدودی بسترها دارد در جهت مشارکت مردم در بهبود این وضعیت فراهم می‌شود. نگرش دینی در برخی از روحانیون نیز مانعی بر سر راه اجرا و یا احیای برخی از جشن‌های ملی و محلی بوده و آنها بیشتر تمایل دارند تا از ظرفیت جشن‌ها و اعیاد مذهبی در ایجاد شادی و نشاط در مردم بهره‌جویند. تعلق برخی از روحانیون به تفکرات سلفی افراطی از دین نیز باعث شده تا ظرفیت‌های دینداری جوانان در مسیر بهبود وضعیت اجتماع محلی مورد استفاده قرار نگیرد. این دسته از تفکرات دینی اخیراً دارد در منطقه نفوذ می‌کند که دینداری مردم محلی با آن سنخیت آن چنانی ندارد. مردم به برداشتی از دین علاقه دارند و خود را در قبال آن مسئول می‌دانند که از گذشته به آن پای‌بند بوده و چندان تمایلی به قرائت‌های جدید از دین که اثر مخربی را می‌تواند بر بهبود وضعیت اجتماع محلی داشته باشد، ندارند. در زمینه ارائه ایده نیز تأکید برخی از روحانیون و یا ریش‌سفیدان بر دیدگاه‌های خود در بهبود وضعیت اجتماع محلی

باعث شده تا آنها ایده‌هایی را اجرا کنند که ممکن است نتایج مورد علاقه و پسند مردم را دربر نداشته باشد. تغییر سبک سنتی حوض آب یک روستا که از منظره زیبایی برخوردار بوده و هنوز مردم روستا نسبت به آن نوستالژی دارند به سبکی جدید و دایره‌ای که هیچ‌گونه همخوانی با فرهنگ بومی ندارد از جمله این موارد است. یا عدم احداث توالت زنانه در بازسازی حوض زنان که از قدیم وجود داشته به بهانه اینکه زنان می‌توانند از توالت منزل استفاده کنند و امروزه با توجه به مراجعه مهمانان گردشگر زن به داخل روستا وجود آن ضروری است، یکی دیگر از این موارد است که کارکردهای منفی را در بهبود وضعیت محلی نشان می‌دهد. البته ناگفته نماند که برخی از شوراهای دهیاران بر این باور بودند که ریش سفیدان دارای ذهنیت نوین در توسعه و محلی نیستند و با توجه به اینکه خود را نماینده مردم می‌دانند از ظرفیت ریش سفیدان صرفاً در توجیه و متقاعدسازی استفاده می‌کنند.

۷. مشارکت نویسندگان

این مقاله از نتایج پژوهشی رساله دکتری نویسنده با موضوع واکاوی نقش نخبگان سنتی روستایی در راهبری توسعه اجتماعات محلی (دانشگاه تهران) و مطالعات میدانی مجدد در محدوده مورد مطالعه استخراج شده است.

۸. منابع مالی

این مقاله حاصل پژوهش مستقل نویسندگان است و برای نوشتن آن، از هیچ سازمانی حمایت مالی دریافت نشده است.

۹. تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

۱۰. سپاسگزاری

References

- Abdollahpour, J. (2017). *Vakavi-ye naqsh-e khabargān-e sonnati-ye rustāyi dar rahbari-ye towse'eh-ye ejtemā'āt-e mahalli (mored-e motāle'eh: ejtemā'āt-e rustāyi-ye shahrestān-e Sardasht)* [Analyzing the role of traditional rural experts in leading local community development (Case study: Rural communities of Sardasht County)] (Doctoral dissertation). Department of Social Development Studies, Faculty of Social Sciences, University of Tehran. (In Persian).
- Anbari, M. (2011). *Jāme'eh-shenāsi-ye towse'eh: az eghtesād tā farhang* [Sociology of development: From economy to culture] (1st ed.). Tehran: SAMT Publications. (In Persian).
- Arefi, M. (2001). *Be sooy-e ruykard-e dārā'i-mabnā barā-ye towse'eh-ye ejtemā'-e mahalli* [Towards an asset-based approach to local community development] (N. Tavalae, Trans.). *Majaleh-ye Honarhā-ye Zibā*, (10), 22-33. (In Persian).
- Arnstein, S. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35, 216-224.
- Behzad, S. & Ahamad, N. (2012). the role of the community in communities development: promotion of self depende through education, *African Journal of Business Management*, 6(49).
- Bikam, Peter & Chakwizira, James (2014). Involvement of Traditional Leadership in Land Use Planning and Development Projects in South Africa: Lessons for Local Government Planners. *International Journal of Humanities and Social Science*, 4(13).142-152.
- Chambers, Robert (1995). *Rural appraisal: Rapid, Relaxed and Participatory*. in participatory rural appraisal (methods and applications in rural planning), 1-62, edited by Amitava Mukherjee, first published, New Delhi: Vikas Publishing House PVT LTD.
- Chotib, H. M. (2024). *The Role of Traditional Leaders in Local Governance: A Case Study of Jambi*

- Province, Indonesia. *Enigma in Cultural* 2(2):117-130
- Crocker, David A. (2006). *Sen and Deliberative Democracy*. in Alexander Kaufman (ed.), *Capabilities Equality: Basic Issues and Problems*. New York: Routledge.
- Emadi, M. H., & Abbasi, E. (1999). *Hekmat-e dirin dar 'asr-e novin: kār-bord-e dānesh-e boom dar towse'eh-ye pāydār* [Ancient wisdom in the new age: Application of indigenous knowledge in sustainable development] (Vol. 1, 1st ed.). Tehran: Jihad-e Sazandegi Ministry Press, Center for Rural Research and Studies. (In Persian).
- Escobar, Arturo (1984). *Discourse and Power in Development: Michel Foucault and the Relevance of his Work to the Third World*. *Alternatives*, 10(3), 377–400.
- Escobar, Arturo (1987). *Power and Visibility: The Invention and Management of Development in the Third World*. Unpublished Ph.D. dissertation, University of California, Berkeley.
- Escobar, Arturo (1988). *Power and Visibility: Development and the Invention and Management of the Third World*. *Cultural Anthropology*, 3(4), 428-443.
- Escobar, Arturo (1995). *Encountering Development: the making and unmaking of the third world*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Escobar, Arturo (2000). *Beyond the Search for a Paradigm? Post-development and Beyond*. *Development*, 43 (4), 11–14.
- Escobar, Arturo (2004). *Beyond the Third World: Imperial Globality, Global Coloniality, and Anti-Globalisation Social Movements*. *Third World Quarterly*, 25 (1), 207–230.
- Escobar, Arturo (2007). *Post-development as concept and social practice*. in Ziai, Aram. *Exploring Post-development: Theory and practice, problems and perspectives*, First published, New York: Routledge.
- Forester, J. (1980). *critical theory and planning practice*. *American planning Assosiation Journal*, 46.
- Forester, J. (1993). *Critical Theory, Public Policy, and Planning Practice: Toward a Critical Pragmatism*. Albany, NY: State University of New York Press.
- Gaotri, H. (1986). *Popular Participation in Development*. in *Participation in Development*, Paris: unesco.
- Gershman, Shayna Debra (2013). *An Evaluation of Public Participation Techniques Using Arnstein's Ladder: the Portland plan*, a thesis presented to the graduate school of the University of Florida in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Urban and Regional Planning.
- Ghaffari, G. R., & Niazi, M. (2007). *Jāme'eh-shenāsi-ye moshārekāt* [Sociology of participation] (1st ed.). Tehran: Nazdik Publications. (In Persian).
- Ghorbanian, M., Fasihi Harandi, M., & Liaghat, A. (2019). *Bankdāri-ye ejtemā'i-ye āb: bāz-tarif-e rezhimā-ye hokmravāni-ye āb* [Social water banking: Redefining water governance regimes]. *Nashriyeh-ye Tahghighāt-e Manābe'-e Āb-e Iran*, 15(4), 425-437. (In Persian)
- Greenleaf, R. K. (1977). *Servant Leadership: A journey into the Nature of Legitimate power and greatness*, Paulist Press, New York, NY.
- Gutmann, A. and D. Thompson (2000). *Why Deliberative Democracy is Different*. in Paul, Miller, Jr. and Paul.
- Hamed Moghaddam, A. (1990). *Moshārekāt va towse'eh-ye rustāyi* [Participation and rural development]. In *Majmooeh-ye maqālāt-e seminār-e jāme'eh-shenāsi-ye towse'eh* (Vol. 2). Tehran: SAMT Publications. (In Persian).
- Healey, P. (1992). *a planners day, knowledge and action in communicative practice*. *APA Journal*, Winter .
- Healey, P. (1993). *Planning Through Debate: The Communicative Turn in Planning Theory* In: F. Fischer, J. Forester: *The Argumentative Turn in Policy Analysis and Planning*, 223-253, UCL press.
- Healey, P. (1996). *Planning through Debate: the communicative turn in planning theory*. reading in planning theory, Blackwell.
- Healey, P. (1997). *Collaborative planning, shaping places in fragmented societies*. London: Macmillan.
- Healey, P. (1999). *collaborative planning, shaping places fragmented societies*, Macmillan Press I.T.D.
- Healey, P. (1999). *institutionalist analysis, communicative planning and shaping places*. *Journal of Planning Education and Research*.

- Imani Jajarmi, H., & Abdollahpour, J. (2017). Vakavi-ye mabani-ye mashru'iyat-e eghtedar-e nobegān-e sonnati-ye rustāyi dar rahbari-ye towse'eh-ye ejtemā-e mahalli (mored-e motāle'eh: ejtemā'āt-e rustāyi-ye shahrestān-e Sardasht) [An analysis of the legitimacy foundations of traditional rural elites' authority in leading local community development (Case study: rural communities of Sardasht County)]. *Towse'eh-ye Mahalli (Rustāyi-Shahri)*, 9(2), 215-238. (In Persian).
- Innes, J. E. (1995). Planning theory's emerging paradigm: Communicative action and interactive practice, *Journal of Planning Education and Research*, 14(3). 183-189.
- Innes, J. E. (1998). information in communicative planning. *APA Journal*, Winter.
- Koontz, H., O'Donnell, C., & Weihrich, H. (2006). *Osoul-e modiriyat* [Principles of management] (Vol. 2, 5th ed.) (M. A. Toosi, S. A. Alavi, A. A. Farhangi, & A. Mahdavian, Trans.). Tehran: Institute for Management and Planning Studies (IMPS) Press. (In Persian).
- Kozel, Valerie & Parker, Barbara (2000). integrated approaches to poverty assasment in India. in Micheal Bamberger. ed., *integrating quantitative and qualitative research in development projects*, Washington D. C.: World Bank .
- Kretzman, John and John L. Mcknight (1993). *building communities from the inside out: a path toward finding and mobilizing a community's assets*, Chicago, IL: ACTA publications.
- Mathie, A. & Cunningham, G. (2003). from clients to citizens: asset-based community development as a strategy for community – driven development, *Development in Practice*, 13(5), 474-486.
- Mohammad, M & Silong, A. D. (2010). leadership roles in community development in Malasia. *Journal of Global Business Management*, 6(2).
- Morid, S. (2018) Review of national efforts to manage drought and the capacity to face water crises. *Iran Water Resources Research* 14(1):239-252.
- Narayan et al (1997). *voices of the poor: poverty and social capital in Tanzania*, World Bank. Washington DC, USA .
- Narayan, D. (1999). *bonds and bridges: social capital and poverty*. Policy Research Working Paper.
- Omar, S. (1987). *Demokrāsi-ye moshārekati* [Participatory democracy] (A. Mokhber, Trans.). Tehran: Ministry of Planning and Budget. (In Persian).
- Ozor, N and Nwankwo, N. (2008). The Role of Local Leaders in Community Development Programmes in Ideato Local Government Area of Imo State: Implication for Extension Policy. *Journal of Agricultural Extension*, 12(2).
- Rafieian, M., & Maroufi, S. (2011). Naqsh va kār-bord-e ruykard-e barnāneh-rizi-ye ertebāti dar nazariyehā-ye novin-e shahrsāzi [The role and application of communicative planning approach in new urban planning theories]. *Armanshahr*, (7), 113-120. (In Persian).
- Rahman, M. (1993). *People Self Development*, London: Zed books.
- Rahnema, M. (1993). Lozum-e zabāni tāzeh barā-ye faghr [The need for a new language for poverty]. *Goftogu*, (2). (In Persian).
- Rahnema, M. (1996). Bāz-andishi-ye yek kārgozar-e towse'eh [Rethinking a development agent] (J. Tavakoli, Trans.). *Fasl-nāme-ye Rustā va Towse'eh, Bakhsh-e mo'arefi-ye ketāb*, 2(3). (In Persian).
- Rahnema, M. (1998). "Towse'eh" «negāhi now be mafāhim-e towse'eh ["Development", a new look at the concepts of development] (F. Farrahi & V. Bozorgi, Trans.). Tehran: Markaz Publications. (In Persian).
- Rahnema, M. (2006). *Hengāmi ke bināvāyi faghr rā az sahneh biroun mi-rand* [When affluence drives poverty away] (H. Javdani, Trans.). Tehran: Institute for Management and Planning Studies (IMPS). (In Persian).
- Rahnema, M., et al. (1975). *Āmookhtan barā-ye zistan* [Learning to be] (M. Ghazi et al., Trans.). Tehran: Amirkabir Publications. (In Persian).
- Rahnema, Majid (1992). Participation, In *The Development Dictionary: a Guide to Knowledge as Power*, Wolfgang Sachs, ed. London: Zed Books.
- Rahnema, Majid and Victoria Bawtree (1997). *The Post-Development Reader*, London: Zed Books.
- Rokneddin Eftekhari, A. R. (2010). *Modiriyat-e towse'eh-ye rustāyi (bonyānhā-ye nazari)* [Rural development management (Theoretical foundations)] (1st ed.). Tehran: SAMT Publications. (In Persian).
- Rokneddin Eftekhari, A. R., & Behzadnasab, J. A. (2004). *Barnāneh-rizi-ye ertebāti, ruykardi enteḡādi be nazariyeh-ye barnāneh-rizi (bā ta'kid bar barnāneh-rizi-ye towse'eh-ye rustāyi)*

- [Communicative planning, a critical approach to planning theory (With emphasis on rural development planning)]. *Fasl-nāmeḥ-ye Modarres-e 'Olum-e Ensāni*, 8(1), 1-22. (In Persian).
- Sager, T. (1994). *Communicative Planning Theory*, Aldershot: Avebury.
- Sarrafi, M. (2013). Towse'eh be masābe-ye hokmravāyi-ye shāyeste [Development as good governance]. In J. E'ta'at, F. Dejpasand, A. Dini Torkamani, M. Sari'olghalam, M. Sarrafi, V. Mahmoudi, & B. Hadi Zanour, *Mabāni-ye towse'eh-ye pāydār dar Irān* (1st ed., pp. 51-88). Tehran: Elm Publications. (In Persian).
- Scott, Wituk, Ealey, Sarah, Jo Clark, Mary, Heiny, Pat and Meissen, Greg (2005). Community Development through Community Leadership Programs: Insights from a Statewide Community Leadership Initiative. *community development: Journal of the Community Development Society*, 36(2), 89-101.
- Sen, A. (2003). Democracy and Its Global Roots. *The New Republic*, 229 (4), 28-35.
- Shatar Sabran, Mohammad (2003). *An Introduction to Community Development and Leadership*. Serdang: Universiti Putra Malaysia.
- Shojaei Baghini, M. M., et al. (2008). *Mabāni-ye mafhumi-ye sarmāyeh-ye ejtemā'i* [Conceptual foundations of social capital] (1st ed.). Tehran: Institute for Social and Cultural Studies (ISCS) Press. (In Persian).
- Silong, Abu Daud (2009). *Leadership Theories, Research and Practice: Framing Future Leadership Thinking*, Serdang: Universiti Putra Malaysia.
- Statistical Center of Iran. (2016). *Sar-shomāri-ye 'omoumi-ye nofus va maskan-e 1395* [National population and housing census of 2016]. (In Persian).
- Tendler, Judith (1997). *good government in the tropics*, Baltimore, Md.: Johns Hopkins University Press.
- Tlhoale, Clement Timas (2012). *the interface between traditional leadership in shared rural local governance*. dissertation, master of arts in public management and governance, university of Johannesburg.
- Torkzadeh, J., & Jafari, S. (2012). Ruykardhā va nazariyehā-ye sonnati va novin-e rahbari: be sooy-e jahānbini-ye rahbari [Traditional and modern leadership approaches and theories: Towards a leadership worldview]. *Fasl-nāmeḥ-ye Towse'eh-ye Manābe'-e Ensāni va Poshtibāni*, 7(25), 91-134. (In Persian).
- Tshitangoni, M., & Francis, J. (2018). Relevance of traditional leadership in rural community development amidst democratic institutions in Southern Africa: A critical review. *Studies of Tribes and Tribals*, 15(2), 70-83.
- Woolcock, M., & Narayan, D. (2008). Sarmāyeh-ye ejtemā'i: kār-bordhā dar nazariyeh-ye towse'eh, pajuḥesh va siyāsāt-gozāri [Social capital: Implications for development theory, research, and policy] (M. M. Shojaei Baghini, Trans.). In M. M. Shojaei Baghini et al., *Mabāni-ye mafhumi-ye sarmāyeh-ye ejtemā'i* (1st ed., pp. 85-134). Tehran: Institute for Social and Cultural Studies (ISCS) Press. (In Persian).
- Yusnadi & Syahfitri, R. (2025). Community Empowerment Process Through Tourism Village Program. *Journal of Nonformal Education and Community Empowerment*. 6(1), 9-16.
- Zenzile, E. (2023). The Experiences of Traditional Leaders in the Execution of Crime Prevention Strategies in the Rural Settings of the or Tambo District Municipality, in the Eastern Cape Province. *OIDA International Journal of Sustainable Development*, 15(6), 19-28.